

سری کتابهای آموزشی

دوراندينان

مجموعه پرسش های تالیفی و آزمونی

بربنای قوانین خاص حقوقی

(اعم از قوانین خاص حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی، حقوق تجارت و حقوق ثبت)

به کوشش: دکتر مهدی فلاح خاریکی

عضو هیأت علمی دانشگاه



به نام خدا

در آزمون‌های حقوقی، همواره قوانین خاص موضوع طرح سوال بوده و هر ساله بر تعداد اینگونه سوالات نیز افزوده می‌شود. وانگهی تعارض و تراحم برخی از قوانین خاص با برخی از مواد قوانین عام و یا قوانین خاص دیگر و نیز اصلاحات و الحاقات مداوم آن‌ها، سبب می‌شود که بسیاری از داوطلبان در مطالعه قوانین مزبور دچار ابهام و سردرگمی شوند. با این وجود، کتابی که بتواند در این رابطه پاسخگوی نیاز داوطلبان آزمون‌های حقوقی باشد، در دسترس نیست.

از این رو، به پیشنهاد مؤسسه دوران‌دیشان تصمیم بر آن شد تا با تکیه بر تجربیات و گذراندن آزمون‌های حقوقی و نیز تدریس چندین ساله در دانشگاه‌ها، کتابی فراهم گردد که با جمع‌آوری طبقه‌بندی شده سؤالات مطروحه در آزمون‌های گذشته و نیز طرح سوالات تالیفی از مهمترین قوانین و مقررات خاص در رشته حقوق خصوصی به نیاز داوطلبان پاسخ داده شود.

کتاب پیشرو در سه فصل جداگانه به طرح سوال و جمع‌آوری تست‌های قوانین خاص مرتبط با حقوق مدنی، آیین دادرسی مدنی و حقوق تجارت پرداخته شده و تلاش بر آن بوده که پاسخ هر سوال نیز به صورت تشریحی و کاربردی همراه با نکات مرتبط و نیز آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری بیان شود.

امید است کتاب حاضر که هماهنگ با آخرین اصلاحات و الحاقات نگاشته شده، پاسخگوی نیازهای دانشجویان و داوطلبان آزمون‌های حقوقی از جمله آزمون کارآموزی وکالت دادگستری و مرکز وکلای قوه قضاییه در زمینه قوانین خاص باشد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از ریاست محترم مؤسسه علمی دوران‌دیشان جناب آقای قاسم حسین آبادی و همکاران محترم ایشان، که در به ثمر رسیدن این مهم، یاری‌ام نمودند، صمیمانه قدردانی نمایم.

با احترام

مهدی فلاح خاریکی

فهرست مطالب

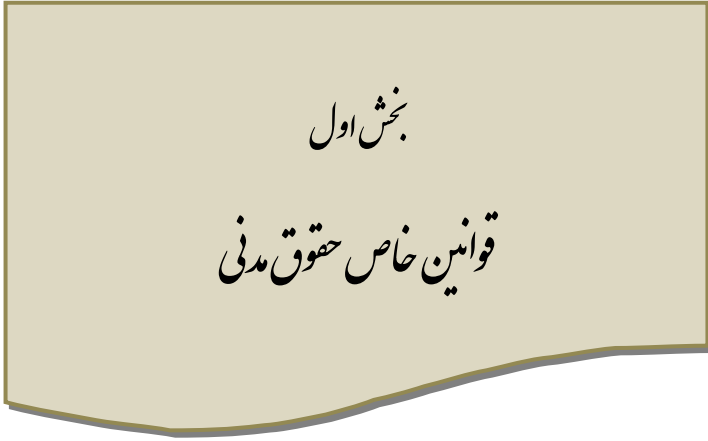
شماره پرسشها	موضوع	صفحه
فصل اول: قوانین خاص حقوق مدنی		
۱ تا ۶۸	قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲	۷
۶۹ تا ۹۸	قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷	۳۶
۹۹ تا ۱۱۴	قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۳۴۳/۱۲/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی	۵۲
۱۱۵ تا ۱۲۴	قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱	۶۰
۱۲۵ تا ۱۶۵	قوانین روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ و ۱۳۷۶	۶۵
۱۶۶ تا ۱۸۴	قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۹	۸۷
۱۸۵ تا ۲۴۲	قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰	۹۹
بخش دوم: قوانین خاص آیین دادرسی مدنی		
۲۴۳ تا ۲۵۳	قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ با اصلاحات بعدی	۱۳۰
۲۵۴ تا ۳۳۳	قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱	۱۳۴
۳۳۴ تا ۳۹۸	قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱	۱۶۸
۳۹۹ تا ۴۷۶	قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵	۱۹۴
۴۷۷ تا ۴۹۸	قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی	۲۳۱
۴۹۹ تا ۵۳۴	قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶	۲۴۳
۵۳۵ تا ۵۵۸	لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ و قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷	۲۵۷
۵۵۹ تا ۵۶۷	آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ رئیس قوه قضائیه	۲۶۸

بخش سوم: قوانین خاص حقوق تجارت

۲۷۴	قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۲	۵۶۸ تا ۵۷۰
۲۷۶	قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴	۵۷۱ تا ۶۲۲
۲۹۴	قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی تا ۱۴۰۰/۱/۲۹	۶۲۳ تا ۶۵۹
۳۱۰	قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ با اصلاحات بعدی	۶۶۰ تا ۶۹۸
۳۲۵	قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷	۶۹۹ تا ۷۲۰
۳۳۴	قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱	۷۲۱ تا ۷۳۶
۳۴۰	قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸ با اصلاحات بعدی	۷۳۷ تا ۷۵۶

بخش چهارم: قوانین خاص حقوق ثبت

۳۵۲	قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ با اصلاحات بعدی	۷۵۷ تا ۷۸۸
۳۶۶	قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۲۲/۶/۲۷	۷۸۹ تا ۷۹۳
۳۶۹	قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۸/۲۲ و آیین‌نامه اجرائی آن	۷۹۴ تا ۸۰۴
۳۷۵	قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰	۸۰۵ تا ۸۱۲
۳۸۰	قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵؛ آیین‌نامه دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۷/۲/۱۴	۸۱۳ تا ۸۳۳
۳۸۹	آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷/۶/۱۱ با اصلاحات بعدی	۸۳۴ تا ۸۵۷



بخش اول

قوانین خاص حقوق مدنی



۱- در مورد دعوی خیانت یا عدم لیاقت و سایر موجبات عزل وصی یا قیم یا ضم امین ترتیب رسیدگی مطابق ... است و حکمی که در این خصوص صادر می‌شود ... است.

(۱) قانون امور حسبی - قطعی

(۲) قانون امور حسبی - مطابق آیین دادرسی مدنی قابل پژوهش و فرجام

(۳) قانون مدنی - مطابق آیین دادرسی مدنی قابل پژوهش و فرجام

(۴) قانون مدنی - قطعی

۲- تعیین قیم برای محجوری که در خارج از ایران اقامت یا سکنی دارد به چه نحوی می‌باشد؟

(۱) قیم توسط مأمور کنسولی ایران تعیین می‌شود.

(۲) مأمور کنسولی ایران قیم موقت برای محجور معین می‌نماید.

(۳) مأمور کنسولی ایران قیم موقت برای محجور معین می‌نماید و اگر دادگاه تهران تصمیم

مأمور کنسولی را تنفیذ نکند تعیین قیم با دادگاه نامبرده خواهد بود.

(۴) مأمور کنسولی ایران با معرفی محجور به دادگاه تهران، تعیین قیم با دادگاه نامبرده خواهد بود.

۳- بعد از تعیین قیم، عزل و تعیین قیم جدید و تعیین قیم موقت و سایر امور محجور در

صلاحیت کدام دادگاه است؟

(۱) دادگاه محل اقامت محجور.

(۲) دادگاه محل اقامت ولی محجور.

(۳) دادگاهی که بدو تعیین قیم کرده است.

(۴) دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می‌شود.

۴- با توجه به قانون مدنی و قانون امور حسبی، کدام یک از اشخاص زیر مکلف به اطلاع به

دادستان یا نماینده وی برای تعیین قیم می‌باشند؟

(۱) هر یک از پدر و مادر و با فقدان ابوی، اقربایی که با محجور در یک مکان زندگی می‌کنند.

(۲) هر یک از زوجین در صورت حجر دیگری در عرض سایر اشخاص و هر یک از دادگاه‌ها که

در جریان دعوی مطلع شوند.

(۳) شهرداری و اداره آمار و ثبت احوال و مأمورین آن‌ها و دهبان و بخشدار در عرض اشخاص

دیگر در صورت آگاهی.

(۴) هر سه گزینه.

۵- تمام اشخاصی که مکلف به اعلام حجر به دادستان هستند:

- (۱) در عرض هم بوده و این تکلیف مشروط به وجود یا عدم وجود دیگری نیست مگر در مورد تکلیف اقربای نسبی که تکلیف این اشخاص منوط به فقدان ابویین شده است.
- (۲) در عرض هم بوده و این تکلیف مشروط به وجود یا عدم وجود دیگری نیست مگر در مورد تکلیف اقربای نسبی که تکلیف این اشخاص منوط به فقدان ابویین شده و تکلیف هر یک از زوجین نیز منوط به فقدان ابویین و اقربای نسبی شده است.
- (۳) در طول هم بوده و این تکلیف مشروط به وجود یا عدم وجود دیگری است به این ترتیب که ابتدا هر یک از پدر و مادر و با فقدان ابویین، اقربایی که با محجور در یک مکان زندگی می‌کنند، در صورت فقدان اقربا، هر یک از زوجین در صورت حجر دیگری و در صورت فقدان، شهرداری و اداره آمار و ثبت احوال و مأمورین آن‌ها و دهبان و بخشدار.
- (۴) در عرض هم بوده و این تکلیف مشروط به وجود یا عدم وجود دیگری نیست.

۶- رأی دادگاه در رسیدگی به درخواست حجر، نسبت به اشخاصی که مجنون یا سفیه معرفی شده‌اند در کدام یک از قالب‌های زیر صادر می‌شود؟

- (۱) در صورت احراز حجر، قرار قبول درخواست حجر صادر می‌کند و در صورت عدم احراز حجر، درخواست حجر را رد می‌نماید.
- (۲) در صورت احراز حجر، حکم به حجر می‌دهد و در صورت عدم احراز حجر، درخواست حجر را رد می‌نماید.
- (۳) در صورت احراز حجر، حکم به حجر می‌دهد و در صورت عدم احراز حجر، حکم رشد صادر می‌نماید.
- (۴) در صورت احراز حجر، قرار قبول درخواست حجر صادر می‌کند و در صورت عدم احراز حجر، حکم رشد صادر می‌نماید.

۷- به موجب قانون امور حسبی، هرگاه دادگاه لازم بداند از کسی که محجور معرفی شده تحقیق کند و آن شخص نتواند در دادگاه به واسطه عذر موجه حاضر شود، دادرسی دادگاه چه اقدامی باید انجام دهد؟

- (۱) شخصاً در خارج از دادگاه از او تحقیق می‌نماید.
- (۲) به وسیله نماینده در خارج از دادگاه از او تحقیق می‌نماید.
- (۳) شخصاً یا به وسیله نماینده در خارج از دادگاه از او تحقیق می‌نماید.
- (۴) رسیدگی به درخواست حجر را متوقف نموده تا عذر برطرف شود.

۸- وفق قانون امور حسبی، آیا قییم جزء اشخاص مکلف به اطلاع به دادستان یا نماینده وی برای تعیین قییم محسوب می‌شود؟

- ۱) خیر - قییم جزء اشخاص مکلف به اعلام نیست و اصلاً چنین فرضی قابل تصور نیست.
- ۲) خیر - قییم قانوناً جزء اشخاص مکلف به اعلام نیست اما فرضی که بتوان قییم را مکلف به اعلام حجر دانست، قابل تصور است.
- ۳) بله - هرگاه صغیری که ولی خاص نداشته و برای وی، قییم تعیین شده بود، در زمان رسیدن به سن رشد، سفیه یا مجنون باشد یعنی به علت عدم رشد یا جنون متصل به دوران صغر، حجر او ادامه داشته باشد، قییم باید جنون یا سفه او را به دادستان اطلاع دهد.
- ۴) بله - قییم قانوناً جزء اشخاص مکلف به اعلام شمرده شده است اما فرضی که بتوان قییم را مکلف به اعلام حجر دانست، قابل تصور نیست.

۹- آیا می‌توان برای چند محجور، یک قییم تعیین نمود؟

- ۱) خیر.
- ۲) بله.
- ۳) خیر مگر اینکه دادگاه با توجه به اوضاع و احوال تعیین یک قییم برای چند محجور را ضروری تشخیص دهد.
- ۴) بله مگر اینکه اداره امور هر یک از آنها محتاج به قییم علیحده باشد.

۱۰- با توجه به قانون مدنی و قانون امور حسبی، در صورت صلاحیت کلیه اشخاص زیر، اولویت‌بندی در نصب قییم چگونه است؟

- ۱) ابوین محجور - شوهر محجور - اقربای نسبی طبق قاعده الاقرب - کسانی که ضامن یا تضمینات کافی بدهند.
- ۲) شوهر محجور - ابوین محجور - اقربای نسبی طبق قاعده الاقرب - کسانی که ضامن یا تضمینات کافی بدهند.
- ۳) ابوین محجور - زن یا شوهر محجور - اقربای نسبی طبق قاعده الاقرب - کسانی که ضامن یا تضمینات کافی بدهند.
- ۴) همه اشخاص مذکور در عرض یکدیگر قرار دارند مگر کسانی که ضامن یا تضمینات کافی بدهند.

۱۱- در صورت تعدد قیم و همچنین در صورتی که همراه با قیم، ناظر نیز معین شده باشد،

در صورت اختلاف نظر بین قیم‌ها یا بین قیم و ناظر، تکلیف چیست؟

- ۱) ناظر باید از نظر قیم پیروی نماید و اختلاف نظر بین قیم‌ها با رجوع به دادستان رفع می‌شود.
- ۲) قیم باید از نظر ناظر پیروی نماید و اختلاف نظر بین قیم‌ها با رجوع به دادستان رفع می‌شود.
- ۳) قیم در صورتی باید از نظر ناظر پیروی نماید که ناظر به صورت استصوابی تعیین شده باشد و اختلاف نظر بین قیم‌ها با رجوع به دادگاهی که قیم‌ها را تعیین نموده است، رفع می‌شود.
- ۴) دادگاه معین می‌کند که در صورت اختلاف نظر بین قیم‌ها یا بین قیم و ناظر به دادگاه یا شخص ثالثی رجوع شود و یا ترتیب دیگری را برای رفع اختلاف پیش بینی می‌نماید.

۱۲- شخصی که درخواست حجر او شده است، علی‌الاصول از چه زمانی از تصرفات در

اموال ممنوع می‌شود؟

- ۱) از زمان درخواست صدور حکم حجر
- ۲) از زمان صدور حکم حجر
- ۳) از زمان قطعی شدن حکم حجر
- ۴) از زمان نهایی شدن حکم حجر

۱۳- آیا دادگاه می‌تواند شخصی را که درخواست حجر او شده است قبل از صدور حکم و یا

بعد از صدور حکم و قبل از قطعی شدن آن، از بعضی یا تمام تصرفات در اموال موقتاً

ممنوع نماید؟

- ۱) می‌تواند، که در این صورت، دادگاه امینی موقتاً برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین می‌نماید.
- ۲) نمی‌تواند.
- ۳) صرفاً بعد از صدور حکم حجر و قبل از قطعی شدن آن می‌تواند، که در این صورت، امینی موقتاً برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین می‌نماید.
- ۴) نمی‌تواند لیکن بعد از صدور حکم حجر و قبل از قطعی شدن آن، شخصی که درخواست حجر او شده است از تمام تصرفات در اموال ممنوع است که در این صورت، تا قطعی شدن حکم، امینی موقتاً برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین می‌شود.

۱۴- تعیین قیم در چه زمانی صورت می‌گیرد؟

- ۱) همراه با صدور حکم حجر اقدام به تعیین قیم می‌گردد.
- ۲) بعد از صدور حکم حجر اقدام به تعیین قیم می‌گردد.
- ۳) بعد از قطعی شدن حکم حجر به واسطه انقضای مدت تجدیدنظر اقدام به تعیین قیم می‌گردد.
- ۴) بعد از قطعی شدن حکم حجر به واسطه انقضای مدت تجدیدنظر یا صدور حکم تجدیدنظر به حجر، اقدام به تعیین قیم می‌گردد.

۱۵- به موجب قانون امور حسبی چه کسانی می‌توانند حسب مورد از تصمیمات دادگاه راجع به حجر تجدیدنظرخواهی نمایند؟

(۱) هر ذینفع (۲) دادستان و قیم محجور (۳) دادستان و محجور و قیم محجور (۴) صرفاً دادستان

۱۶- کدام یک از تصمیمات دادگاه راجع به حجر قابل تجدیدنظر می‌باشد؟

(۱) حکم حجر و حکم بقای حجر (۲) رفع حجر و رد درخواست رفع حجر

(۳) درخواست حجر، رد درخواست بقای حجر (۴) هر سه گزینه

۱۷- اعلام تصمیم دادگاه به قیم راجع به انتصاب وی به سمت قیمومت به چه نحو است؟

(۱) نصب قیم باید ظرف سه روز به صورت حضوری به او اعلام شود.

(۲) نصب قیم باید ظرف سه روز به او ابلاغ شود.

(۳) نصب قیم در صورتی که قیم در دادگاه حاضر باشد حضوراً به او اعلام و اگر در دادگاه حاضر نباشد باید فوراً به او ابلاغ گردد.

(۴) نصب قیم در صورتی که قیم در دادگاه حاضر باشد حضوراً به او اعلام و اگر در دادگاه حاضر نباشد باید ظرف سه روز به او ابلاغ گردد.

۱۸- قیم مکلف است قبول یا عدم قبول قیمومت را به چه شخصی اطلاع دهد؟

(۱) به دادگاه اطلاع دهد. (۲) به دادستان اطلاع دهد.

(۳) به رییس دادگستری شهرستان اطلاع دهد. (۴) هر سه گزینه.

۱۹- اثر حجر از چه زمانی مترتب می‌شود؟

(۱) اثر حجر از تاریخ صدور حکم مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حکم حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود.

(۲) اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حکم حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود.

(۳) اثر حجر از تاریخ درخواست حجر مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حکم حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود.

(۴) اثر حجر در هر صورت از تاریخ صدور حکم حجر مترتب می‌شود.

۲۰- کدام یک از گزینه‌های زیر راجع به ضرورت یا عدم ضرورت صدور حکم حجر و ذکر تاریخ حجر صحیح می‌باشد؟

- ۱) برای اشخاصی که به سن رشد نرسیده‌اند حجر آنها استصحاب می‌شود و نیاز به صدور حکم حجر نیست.
- ۲) در مواردی که علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد، صدور حکم حجر ضروری است چراکه باید خلاف اصل استصحاب مبنی بر بلوغ و رشد اثبات شود.
- ۳) در مواردی که علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد دادگاه باید ابتدا تاریخ حجر را که بر او معلوم شده است در حکم خود قید نماید.
- ۴) هر سه گزینه.

۲۱- چه کسانی حق دارند تا از دادگاه درخواست صدور حکم حجر نمایند؟

- ۱) دادستان
- ۲) دادستان و قیم و ولی محجور
- ۳) دادستان و هر ذینفع
- ۴) دادستان و محجور و قیم محجور

۲۲- خروج از قیمومت را می‌تواند درخواست نماید. (ارشاد سراسری (دعای فائادگی)، ۹۱)

- ۱) تنها خود مولی‌علیه یا دادستان یا قیم
- ۲) تنها خود مولی‌علیه
- ۳) خود مولی‌علیه یا هر ذی‌نفعی
- ۴) تنها قیم

۲۳- با فوت کسی که درخواست حجر وی شده است، تکلیف دادگاه چیست؟

- ۱) دادگاه با فوت کسی که درخواست حجر وی شده است رسیدگی را به طرفیت ورثه ادامه می‌دهد و حکم مقتضی را صادر می‌کند.
- ۲) دادگاه با فوت کسی که درخواست حجر وی شده است قرار سقوط دعوا صادر می‌نماید.
- ۳) دادگاه با فوت کسی که درخواست حجر وی شده است قرار رد دعوا صادر می‌نماید.
- ۴) دادگاه با فوت کسی که درخواست حجر وی شده است مختار است قرار سقوط دعوا صادر یا رسیدگی را به طرفیت ورثه ادامه دهد.

۲۴- شخصی قبل از صدور حکم حجر یا محجور شدن، قراردادی منعقد می‌کند ولی بعد از صدور حکم حجر از دادگاه خانواده، طرف معامله با محجور یا ولی یا قیم محجور، مدعی حجر وی در زمان معامله و در نتیجه بطلان معامله می‌شود. در این صورت، اگر ولی یا قیم و یا طرف مقابل، صحت و سلامت را در زمان معامله، نزد دادگاه عمومی صالح به رسیدگی به دعوای اعلام بطلان معامله، به صورت طاری و مقدماتی اثبات نماید، کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح می‌باشد؟

- ۱) حکم حجر دادگاه خانواده مانع از آن نیست که دادگاه عمومی به اهلیت سابق معامله کننده که نزد او ثابت شده است ترتیب اثر دهد و حکم به صحت معامله دهد.
- ۲) همان دادگاه رسیدگی کننده به مسئله اصلی، صلاحیت رسیدگی به مسئله طاری اهلیت در این مورد خاص را داراست نه دادگاه صادرکننده حکم حجر.
- ۳) دادگاه رسیدگی کننده به مسئله اصلی، باید با صدور قرار اناطه رسیدگی به مسئله طاری اهلیت در زمان معامله را به دادگاه صادرکننده حکم حجر واگذار نماید.
- ۴) گزینه ۱ و ۲.

۲۵- اگر به موجب حکم دادگاه صالح از محجور رفع حجر شود و در دادگاه دیگری به صورت امری طاری، اهلیت وی در زمان معامله نسبت به آن معامله انکار شود و نزد همان دادگاه عدم اهلیت در زمان عقد اثبات شود، کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) حکم رفع حجر مانع از آن نیست که دادگاه به حجر معامله کننده در زمان عقد که نزد او ثابت شده است ترتیب اثر دهد و حکم به بطلان معامله دهد.
- ۲) همان دادگاه صلاحیت رسیدگی به مسئله طاری عدم اهلیت در این مورد خاص را داراست نه دادگاه صادرکننده حکم رفع حجر.
- ۳) دادگاه رسیدگی کننده به مسئله اصلی، باید با صدور قرار اناطه رسیدگی به مسئله طاری اهلیت در زمان معامله را به دادگاه صادرکننده حکم حجر واگذار نماید.
- ۴) گزینه ۱ و ۲.

۲۶- کدام گزینه راجع به محجوری که ولی یا وصی دارد صحیح است؟

- ۱) در صورتی که محجور، ولی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او را ندارند ولی در صورتی که محجور، وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او را دارند.
- ۲) در صورتی که محجور، ولی یا وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او ندارند و فقط دادرس بعد از رسیدگی لازم می‌تواند وصایت وصی را تصدیق نماید.
- ۳) در صورتی که محجور، ولی یا وصی داشته باشد دادستان حق دخالت در اداره امور او را ندارد ولی دادگاه حق دخالت در اداره امور او را دارد.
- ۴) در صورتی که محجور، ولی داشته باشد دادستان حق دخالت در اداره امور او را ندارد ولی دادگاه دارد و در صورتی که محجور، وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او را دارند.

۲۷- تصرفات قییم در اموال محجور، از کدام تاریخ نافذ است؟ (ارشد سراسری، ۹۵)

- ۱) تاریخ نصب، هرچند حکم به وی ابلاغ نشده باشد.
- ۲) تاریخ نصب و قبول سمت قیمومت.
- ۳) تاریخ اطلاع از سمت خود.
- ۴) تاریخ ابلاغ حکم قیمومت.

۲۸- شخصی مال غیرمنقولی را که تصور می‌کرده متعلق به همسر اوست، به صورت فضولی فروخته است. بعداً معلوم می‌شود که این مال متعلق به محجوری بوده است که قیمومت او را به عهده دارد. این معامله چه حکمی دارد؟ (وکالت، ۹۴)

- ۱) غیرنافذ است و به صرف تنفیذ قییم، نافذ نمی‌شود.
- ۲) غیرنافذ است و با تنفیذ قییم نافذ می‌گردد.
- ۳) صحیح است.
- ۴) باطل است.

۲۹- کدام گزینه در مورد فروش اموال منقول و غیرمنقول توسط قییم صحیح نیست؟

- ۱) قییم باید اموال ضایع شدنی محجور را بفروشد.
- ۲) قییم می‌تواند با رعایت مصلحت، اموال منقولی را که مورد احتیاج محجور نیست، بفروشد.
- ۳) قییم می‌تواند اموال غیرمنقول محجور را با رعایت غبطه محجور و تصویب دادستان بفروشد.
- ۴) قییم باید اموال منقولی را که مورد احتیاج محجور نیست بفروشد و مطلقاً حق فروش اموال غیرمنقول محجور را ندارد.

۳۰- قییم در قبال اسناد و اشیاء قیمتی و وجوه نقدی محجور چه وظیفه‌ای دارد؟

- ۱) اسناد و اشیاء قیمتی باید در محل امنی نگاهداری شود و با وجوه نقدی که محل احتیاج نیست مالی خریداری شود.
- ۲) اسناد و اشیاء قیمتی باید با اطلاع دادستان در محل امنی نگاهداری شود و وجوه نقدی که محل احتیاج نیست باید در یکی از بانک‌های معتبر گذاشته شود.
- ۳) قییم باید اسناد را در محل امنی نگاهداری کند و اشیاء قیمتی را بفروشد و از پول آن با رعایت مصلحت محجور مالی خریداری و یا به ترتیب دیگری که مصلحت باشد، رفتار نماید.
- ۴) قییم می‌تواند اسناد و اشیاء قیمتی را با اطلاع دادستان در محل امنی نگاهداری کند و وجوه نقدی را که محل احتیاج نیست در یکی از بانک‌های معتبر بگذارد.

۳۱- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

- (۱) ولی یا قیم می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند به محجور اجازه اشتغال به کار یا پیشه‌ای بدهد و در این صورت، اجازه نامبرده شامل لوازم آن کار یا پیشه هم خواهد بود.
- (۲) محجور ممیز می‌تواند اموال و منافی را که به سعی خود او حاصل شده است با اذن ولی یا قیم اداره نماید.
- (۳) قیم باید بعد از رفع حجر اموال محجور را به تصرف او بدهد و اگر در مدت حجر، سمت قیمومت از قیم سلب و ب‌ه جای او شخص دیگری معین شد اموال را به تصرف قیم بعدی بدهد.
- (۴) تمام موارد.

۳۲- کدام گزینه در مورد ازدواج و طلاق مجنون توسط قیم صحیح است؟

- (۱) در صورتی که قیم ازدواج مجنون را لازم بداند با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید و هرگاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه طلاق می‌دهد.
- (۲) در صورتی که پزشک ازدواج مجنون را لازم بداند قیم با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید و هرگاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه قیم طلاق می‌دهد.
- (۳) در صورتی که پزشک ازدواج مجنون را لازم بداند قیم با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید ولی حق طلاق مجنون را در هیچ صورتی ندارد.
- (۴) ازدواج و طلاق مجنون در هیچ صورتی در اختیار قیم نمی‌باشد.

۳۳- اگر زوج صغیر باشد، طلاق همسر او توسط ولی یا قیم چه وضعیتی دارد؟ (ارشاد سراسری، ۹۰)

- (۱) باطل است.
- (۲) صحیح است.
- (۳) با تصویب دادستان صحیح است.
- (۴) توسط ولی صحیح ولی توسط قیم باطل است.

۳۴- همسر مجنون دائمی را کدام شخص (اشخاص) و با کدام شرط (شرایط) می‌تواند

(ارشاد سراسری، ۹۴)

طلاق دهد؟

- (۱) قیم یا ولی مجنون، در صورت تصویب دادگاه خانواده
- (۲) قیم یا ولی مجنون، در صورت مصلحت مجنون
- (۳) ولی مجنون، در صورت مصلحت مجنون
- (۴) ولی مجنون، در صورت تصویب دادستان

۳۵- آیا قییم می‌تواند از سمت قیمومت استعفا دهد؟ (ارشاد سراسری (اشفای تا وصیت و ارث)، ۹۰)

- ۱) قییم حق استعفا ندارد.
- ۲) قییم هر وقت بخواهد می‌تواند استعفا دهد.
- ۳) در صورتی که جانشینی برای خود معین نماید حق استعفا دارد.
- ۴) استعفای قییم مستلزم قبول دادگاه است.

۳۶- در صورت فوت قییم مادام که قییم جدید معین نشده حفظ و نظارت در اموال صغار و

مجانبین و اشخاص غیررشدید که قییم آن‌ها فوت شده به عهده چه کسی خواهد بود؟

- ۱) ورثه کبیر محجور ۲) ورثه کبیر قییم ۳) دادستان ۴) امین موقت

۳۷- هرگاه قییم وجوه زائد از احتیاج صغیر را بدون سود بگذارد، چه مسئولیتی دارد؟

- ۱) مسئول تأدیه خسارت به میزان خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود.
- ۲) مسئولیتی ندارد مگر صرفاً در زمانی که در پول محجور به سود خود تصرف نماید که در این صورت، از تاریخ تصرف مسئول خسارت تأخیر تأدیه می‌باشد.
- ۳) اگر بیش از شش ماه بدون سود گذاشت مسئول تأدیه خسارت به میزان خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود.
- ۴) در صورت کاهش ارزش پول مسئول تأدیه خسارت به میزان خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود.

۳۸- در صورتی که قییم متعدد بوده و با شرکت یکدیگر در اموال محجور تعدی یا تفریط

نمایند مسئولیت هر یک از آن‌ها به چه نحو است؟

- ۱) مسئولیت تضامنی مبتنی بر تقصیر ۲) مسئولیت تضامنی مبتنی بر تضمین حق
- ۳) مسئولیت اشتراکی مبتنی بر تقصیر ۴) مسئولیت اشتراکی مبتنی بر تضمین حق

۳۹- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

- ۱) قییم از تصمیم دادگاه راجع به عزل خود و دادستان از رد درخواست عزل قییم می‌تواند پژوهش بخواهند.
- ۲) مادامی که تکلیف قطعی حکم عزل قییم معین نشده امور صغیر به وسیله امینی که برای محجور معین می‌شود انجام خواهد شد.
- ۳) اعمال قییم بعد از ابلاغ حکم عزل او نافذ نیست.
- ۴) اگر قییم قبل از تعیین شخص دیگری به جای او صورتحساب را فرستاده یا معلوم شود که تأخیر در فرستادن صورتحساب بواسطه عذر موجه بوده است ممکن است همان شخص را به قیمومت ابقاء یا مجدداً او را به قیمومت معین نمود.

۴۰- کدام مورد صحیح است؟ (قضاوت، ۹۲)

- ۱) قیم بدون تصویب مدعی العموم می‌تواند دعوی مربوط به مولی علیه را به صلح خاتمه دهد.
- ۲) اگر در اختیار قیم نسبت به انجام دادن کار خاصی تردید شود، اصل عدم وجود این اختیار است.
- ۳) اعمالی که قیم پیش از ابلاغ حکم عزل انجام داده، باطل است.
- ۴) حکم عزل قیم، جنبه تأسیسی دارد.

۴۱- اداره اموال جنین بر عهده کدام یک از اشخاص زیر است؟

- ۱) در هر صورت مادر
- ۲) ولی خاص و در صورت فقدان، امین جنین
- ۳) ولی خاص و در صورت فقدان، قیم
- ۴) در هر صورت امین جنین

۴۲- کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد امین جنین صحیح نمی‌باشد؟

- ۱) تعیین امین برای جنین در دادگاهی بعمل می‌آید که مادر جنین در حوزه آن دادگاه اقامت دارد.
- ۲) دادستان و اقربای جنین می‌توانند از دادگاه درخواست تعیین امین جنین نمایند.
- ۳) در تعیین امین جنین، مادر جنین در صورت داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم است.
- ۴) سمت امینی که برای جنین معین شده است پس از بلوغ طفل زائل می‌شود.

۴۳- کدام یک از گزینه‌های زیر در رابطه با امین عاجز صحیح نیست؟

- ۱) عاجز از اداره اموال، اگر تصرفی در اموال خود بنماید نافذ است و امین نمی‌تواند او را ممانعت نماید.
- ۲) امین عاجز، به منزله وکیل عاجز است و احکام وکیل نسبت به او جاری است.
- ۳) کسی که در اثر کبر سن یا بیماری و امثال آن از اداره تمام و یا بعض اموال خود عاجز شده می‌تواند از دادگاه بخواهد که برای اداره اموال او امین معین شود.
- ۴) تعیین امین برای کسی که عاجز از اداره اموال خود است در صلاحیت دادگاهی است که اموال عاجز در حوزه آن اقامت دارد.

۴۴- در خصوص وظایف و اختیارات امین غایب، امین جنین و امین اموال عاجز، کدام مورد درست است؟ (ارشاد سراسری، ۹۹)

- ۱) هر سه امین همانند قیم هستند.
- ۲) هر سه امین در حد وکیل هستند.
- ۳) امین غایب در حد وکیل است اما امین جنین و عاجز همانند قیم است.
- ۴) امین غایب و جنین همانند قیم است اما امین اموال عاجز در حد وکیل است.

۴۵- دادگاه وقتی می‌تواند حکم موت فرضی غایب را صادر نماید که در ...، اعلانی در سه دفعه‌ی متوالی هر کدام به فاصله یک ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند به اطلاع دادگاه برسانند. هرگاه یک سال از تاریخ ... بگذرد و حیات غایب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می‌شود.

(۱) یکی از جراید محل یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران- آخرین اعلان

(۲) یکی از جراید محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران- آخرین اعلان

(۳) یکی از جراید محل و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران- اولین اعلان

(۴) یکی از جراید محل یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران- اولین اعلان

۴۶- کدام یک از اشخاص زیر می‌توانند از دادگاه درخواست صدور حکم موت فرضی غایب را نمایند؟

(۱) ورثه‌ی غایب، وصی و موصی‌له (۲) ورثه غایب و دادستان

(۳) ورثه‌ی غایب، وصی و موصی‌له و دادستان (۴) هر ذی‌نفعی

۴۷- علی‌الاصول دادگاه صالح برای رسیدگی به امور غایب مفقود الاثر کدام است؟

(۱) دادگاه عمومی آخرین اقامتگاه غایب (۲) دادگاه خانواده آخرین اقامتگاه غایب

(۳) دادگاه خانواده محل وقوع اموال غایب (۴) دادگاه عمومی محل وقوع اموال غایب

۴۸- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح می‌باشد؟

(۱) با صدور حکم موت فرضی غایب، ورثه، مالک اموال غایب به شمار می‌آیند.

(۲) به هنگام دادن اموال به تصرف قطعی ورثه هیچگونه تضمینی از آن‌ها اخذ نخواهد شد.

(۳) وراثت، حافظ و امین محسوب می‌شوند و به هنگام دادن اموال به تصرف قطعی ورثه،

تضمیناتی که قبل از صدور حکم موت فرضی و در زمان گرفتن اموال به تصرف موقت،

داده‌اند، ابناً خواهد شد.

(۴) گزینه ۱ و ۲.

۴۹- در چه مورد، برای اداره اموال غایب مفقود الاثر نصب امین خواهد شد؟

(ارشاد سراسری (اشخاص تا وصیت و ارث)، ۹۰)

(۱) هنگامی که غایب برای اداره اموال خود وکیل تعیین کرده باشد.

(۲) در موردی که غایب ولی یا قیم نداشته باشد.

(۳) در موردی که غایب ورثه‌ای نداشته باشد.

(۴) هنگامی که غایب، شخصی را برای اداره اموال خود تعیین نکرده و کسی هم قانوناً متصدی

امور او نباشد.

۵۰- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

- (۱) درخواست تعیین امین از دادگاه، منوط به این است که غایب برای اداره ی اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد.
- (۲) دادگاه می‌تواند بیش از یک نفر را به عنوان امین غایب تعیین نماید.
- (۳) دادگاه باید از امینی که معین می‌کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید.
- (۴) حفظ اموال غایب قبل از تعیین امین، حسب مورد توسط دادستان محل وقوع مال یا مأموران کنسولی خواهد بود.

۵۱- کدام یک از اشخاص زیر می‌توانند تقاضای نصب امین نمایند؟

- (۱) دادستان (۲) اشخاص ذی‌نفع (۳) صرفاً ورثه و وصی و موصی‌له (۴) گزینه ۱ و ۲

۵۲- کدام یک از اشخاص زیر نمی‌توانند به سمت امین غایب منصوب شوند؟

- (۱) کسانی که به موجب حکم قطعی به ورشکستگی به تقصیر محکوم شده باشند.
- (۲) کسانی که حکم ورشکستگی آن‌ها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آن‌ها تصفیه نشده است.
- (۳) کسی که خود یا اقربای طبقه‌ی اول او دعوی بر محجور داشته باشد.
- (۴) تمام موارد.

۵۳- کدام مورد در رابطه با فروش اموال منقول ضایع نشدنی که مورد احتیاج نباشد، به ترتیب

توسط قیم و امین غایب صحیح است؟

- (۱) با اجازه دادستان جایز است - با رعایت مصلحت غایب جایز است.
- (۲) با رعایت مصلحت محجور جایز است - با اجازه دادستان جایز است.
- (۳) هر دو با رعایت مصلحت محجور یا غایب جایز است.
- (۴) هر دو با اجازه دادستان جایز است.

۵۴- امین غایب یک باب مغازه متعلق به غایبی را که تحت تصرف وی قرار دارد، به شخص

ثالثی می‌فروشد. چنین قراردادی در چه صورتی نافذ است؟

- (۱) امین حق فروش اموال غیرمنقول غایب را ندارد لذا چنین قراردادی باطل است.
- (۲) فروش اموال غیرمنقول غایب در صورتی نافذ است که با رعایت غبطه غایب و تصویب دادستان باشد.
- (۳) فروش اموال غیرمنقول غایب در صورتی نافذ است که با رعایت غبطه غایب و تصویب دادستان و برای پرداخت نفقه اشخاص واجب‌النفقه غایب و دیون غایب در صورت عدم کفایت سایر اموال منقول باشد.
- (۴) فروش اموال غیرمنقول غایب بدون هیچ شرطی نافذ است.

۵۵- کدام یک از موارد زیر از موجبات زوال سمت امين می‌باشد؟

- ۱) صدور حکم موت فرضی غایب
- ۲) معلوم شدن موت حقیقی یا زنده بودن غایب
- ۳) دادن اموال به تصرف موقت ورثه
- ۴) تمام موارد.

۵۶- کدام یک از گزینه‌های زیر از شرایط دادن اموال غایب به تصرف موقت ورثه نمی‌باشد؟

- ۱) غایب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد.
- ۲) قانون کسی را برای اداره کردن اموال غایب مزبور معین نکرده باشد.
- ۳) دو سال تمام از آخرین خبر غایب گذشته باشد بدون اینکه حیات یا ممات او معلوم باشد.
- ۴) گذشتن یک سال تمام از تاریخ نشر آخرین آگهی سه‌گانه متوالی.

۵۷- کدام یک از گزینه‌های زیر زیر به دادن اموال غایب به تصرف موقت ورثه، صحیح نمی‌باشد؟

- ۱) دادن ضامن یا تضمینات کافی توسط وراثت به تشخیص دادگاه واگذار شده است.
- ۲) دادگاه با وجود شرایط، مکلف به دادن اموال غایب به ورثه نیست بلکه مختار است طبق غبطه و مصلحت غایب تصمیم بگیرد.
- ۳) اگر غایب محجور باشد و ولی یا قیم داشته باشد، باز اموال وی ممکن است به تصرف موقت ورثه داده شود.
- ۴) در موردی که اموال غایب به ورثه تسلیم می‌شود هرگاه وصیتی شده باشد باید اموال مورد وصیت به وصی یا موصی له داده می‌شود هرچند موصی له یا وصی حق درخواست دادن اموال به تصرف موقت را ندارند.

۵۸- تقسیم ترکه در صورت عدم تراضی ورثه در صلاحیت کدام مرجع است؟

- ۱) دادگاه مگر در موردی که ترکه منحصر به یک یا چند مال غیرمنقول باشد که در فرض اخیر با واحد ثبتی محل وقوع ملک است.
- ۲) دادگاه.
- ۳) دادگاه مگر در موردی که ترکه منحصر به یک یا چند مال غیرمنقولی باشد که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته باشد اعم از اینکه در دفتر املاک ثبت شده باشد یا نشده باشد که در این صورت با واحد ثبتی محل وقوع ملک است.
- ۴) شورای حل اختلاف.

۵۹- شخصی فوت کرده و یک قطعه زمین ۱۵۰۰ متری به ورثه او که سه نفر هستند رسیده و یکی از سه وارث صغیر است: (۹۵کالت، ۸۹)

- ۱) تقسیم با حضور سرپرست صغیر در دادگاه انجام می‌شود.
- ۲) تقسیم این قطعه زمین تا رسیدن صغیر به سن رشد ممنوع است.
- ۳) اداره ثبت محل وقوع ملک با درخواست سرپرست صغیر و دو وارث دیگر زمین را تقسیم می‌کند.
- ۴) دادگاه بدون نیاز به نصب سرپرست برای صغیر با حضور دیگر ورثه حکم به تقسیم این ملک می‌دهد.

۶۰- کدام یک از اشخاص زیر حق درخواست تقسیم ترکه را ندارند؟

- ۱) امین غایب و امین جنین.
- ۲) کسی که سهم‌الارث برخی از ورثه به او منتقل شده است.
- ۳) طلبکاران.
- ۴) موصی‌له و وصی راجع به موصی‌به، در صورتی که وصیت به جزء مشاع از ترکه باشد.

۶۱- اگر بعد تقسیم ترکه معلوم شود که متوفی مدیون بوده است، کدام مورد صحیح است؟

- (۹۵کالت، ۹۴)
- ۱) تقسیم صحیح است و طلبکار می‌تواند به هر یک از وراثت، برای دریافت تمام طلب خود مراجعه کند.
 - ۲) تقسیم صحیح است و طلبکار می‌تواند به نسبت مالکیت هر وارث بر اموال ترکه، به او رجوع کند.
 - ۳) تقسیم صحیح است و طلبکار می‌تواند نسبت به تصرف هر وارث بر اموال ترکه، به او مراجعه کند.
 - ۴) تقسیم باطل است.

۶۲- تصرفات حقوقی ورثه در اعیان ترکه قبل از تأدیه دیون متوفی (ارشد سراسری، ۸۶)

- ۱) غیرنافذ است. ۲) باطل است. ۳) صحیح و ضمان آور است. ۴) منوط به رأی دادگاه است.

۶۳- کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- ۱) اگر وارثی ترکه را بی قید و شرط قبول نماید در صورتی می‌تواند از مسئولیت پرداخت دیون رهایی یابد که عدم کفایت ترکه برای کلیه دیون و یا تلف ترکه را اثبات نماید.
- ۲) اگر وارثی ترکه را به شرط تحریر قبول نماید مسئولیتی در قبال پرداخت دیون مازاد بر ترکه ندارد.
- ۳) اگر وارثی ترکه را رد نماید هیچ مسئولیتی در قبال پرداخت دیون مازاد ندارد اما اگر پس از تصفیه ترکه و پرداخت دیون چیزی باقی بماند به وی رد می‌شود.
- ۴) حتی در صورت آماده بودن ورثه برای ادای دین، بستانکاران حق مطالبه عین ترکه را دارند.

۶۴- سکوت ورثه و عدم رد ترکه:

- (۱) ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع از فوت مورث، در فرض عدم تحریر ترکه در حکم قبول مشروط به تحریر ترکه تلقی می‌شود.
- (۲) ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ خاتمه تحریر ترکه، در فرض تحریر ترکه در حکم قبول بی قید و شرط ترکه تلقی می‌شود.
- (۳) ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع از فوت مورث، در فرض تحریر ترکه در حکم قبول بی قید و شرط ترکه تلقی می‌شود.
- (۴) ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ خاتمه تحریر ترکه، در فرض تحریر ترکه در حکم قبول مشروط به تحریر ترکه تلقی می‌شود.

۶۵- وصیتی که طبق مقررات فصل ششم قانون امور حسبی (مواد ۲۷۶ تا ۲۲۹) مصوب ۱۳۱۹ واقع نشده باشد، چه حکمی دارد؟
(وکالت، ۹۱)

- (۱) از درجه اعتبار ساقط است.
- (۲) نسبت به سهم وراثی که به صحت آن اقرار نمایند، نافذ است و نسبت به سایرین فاقد اعتبار است.
- (۳) تنها هنگامی اعتبار دارد که تمامی ورثه به صحت آن اقرار نمایند.
- (۴) چنانچه وصیت عهدی باشد نافذ است، در غیر این صورت هنگامی اعتبار دارد که تمامی ورثه به صحت آن اقرار نمایند.

۶۶- وصیت شخص بلا وارث
(ارشاد سراسری (اشفایص تا وصیت و ارث)، ۸۷)

- (۱) کاملاً صحیح است.
- (۲) باطل است.
- (۳) تا دو ثلث اموال او صحیح و مازاد بر آن باطل است.
- (۴) تا ثلث اموال او نافذ و مازاد بر ثلث باطل است.

۶۷- کدام گزینه صحیح نیست؟
(ارشاد سراسری (اشفایص تا وصیت و ارث)، ۹۳)

- (۱) در حقوق ایران وصیت در موارد فوق‌العاده پذیرفته شده است.
- (۲) وصیتنامه رسمی طبق مقررات اسناد رسمی در دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌شود.
- (۳) وصیتنامه خودنوشت آن است که به دست خط موصی باشد حتی اگر امضای او را نداشته باشد.
- (۴) وصیتنامه سری آن است که طبق مقررات مربوط به تودیع اسناد امانت گذارده شده باشد.

۶۸- دیون مؤجل متوفی بعد از فوت:

- (۱) حال می‌شود.
- (۲) حال نمی‌شود.
- (۳) حال می‌شود در صورتی که وراث قبول نمایند.
- (۴) حال نمی‌شود مشروط بر اینکه وراث تأمین مقتضی برای پرداخت سر موعد بسپارند.

- ۱- گزینه ۲. ر.ک. ماده ۴۷ ق.ا.ح.
- ۲- گزینه ۳. ر.ک. ماده ۵۰ ق.ا.ح. همچنین ماده ۱۲۲۸ ق.م. مقرر می‌دارد: در خارج ایران کنسول و یا جانشین وی می‌تواند نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آن‌ها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم‌اند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران {دادگاه خانواده تهران} تصمیم کنسول یا جانشین او را تنفیذ کند (اصلاحی مطابق قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰).
- ۳- گزینه ۳. ر.ک. ماده ۵۴ ق.ا.ح. به موجب رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۵۳ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲، حکم ماده ۴۸ ق.ا.ح. که مقرر داشته «امور قیمومت راجع به دادگاهی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است» و در رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۲۳/۷/۲۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز بر آن تأکید شده است، ناظر به مواردی است که ابتدائاً باید برای محجور قیم تعیین شود و لکن بعد از تعیین قیم، به حکم ماده ۵۴ همان قانون «عزل و تعیین قیم جدید و تعیین قیم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قیم کرده است». بر این اساس، در مواردی که دادستان هم طبق ماده ۲۱ قانون یاد شده مکلف به اقدامی باشد، دادرسی که در معیت این دادگاه انجام وظیفه می‌نماید، صالح به رسیدگی است.
- ۴- گزینه ۴. ر.ک. مواد ۵۵ و ۵۶ ق.ا.ح. و مواد ۱۲۱۹، ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ قانون مدنی. همچنین سازمان بهزیستی کشور در موردی که متکفل امور فرد محجوری می‌گردد که محتاج نصب قیم است، مکلف به اعلام به دادستان یا نماینده وی می‌باشد (طبق ماده واحده قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیم توسط دادگاه صالح مصوب ۱۳۷۶/۴/۲۹).
- ۵- گزینه ۱. ر.ک. مواد ۵۵ و ۵۶ ق.ا.ح. و مواد ۱۲۱۹، ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ قانون مدنی.
- ۶- گزینه ۲. ر.ک. ماده ۵۷ ق.ا.ح.
- ۷- گزینه ۳. ر.ک. ماده ۵۸ ق.ا.ح.
- ۸- گزینه ۳. طبق ماده ۵۹ ق.ا.ح.، هرگاه صغیری که ولی خاص ندارد در زمان رسیدن به سن رشد سفیه یا مجنون باشد، قیم باید به دادستان جنون یا سفه او را اطلاع دهد و دادستان پس از اطلاع به این امر مکلف است در موضوع جنون و سفاهت تحقیق نموده و دلایل آن را اعم از نظریات کارشناس و اطلاعات مطلعین و غیره به دادگاه بفرستد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز جنون یا

سفه، حکم به استمرار و بقای حجر صادر می‌نماید. در این صورت، ممکن است قیّم سابق را هم به قیّموت ابقا نمود.

۹- گزینه ۴. ر.ک. ماده ۶۰ ق.ا.ح.

۱۰- گزینه ۲. ر.ک. مواد ۶۱ و ۶۲ ق.ا.ح. و همچنین مواد ۱۲۳۲ و ۱۲۴۳ ق.م. با توجه به اطلاق اولویت‌بندی در مواد مذکور، اقربای محجور بر غیرخویشاوند، برتری دارند هرچند حاضر به دادن تضمین نباشند. وانگهی از میان اقربای محجور نیز که همگی صلاحیت دارند مطابق قاعده الاقرب فالاقرب هر خویشی که نزدیکتر است منصوب می‌شود. هرگاه محجور هم شوهر و هم پدر و مادر داشته باشد، به نظر برخی، در صورت صلاحیت همگی، هیچکدام بر دیگری برتری ندارند (دکتر صفایی و قاسم زاده، اشخاص و محجورین، ص ۳۱۰). در حالی که مطابق مواد ۶۱ و ۶۲ ق.ا.ح.، در صورت صلاحیت همگی، شوهر مقدم به نظر می‌رسد.

۱۱- گزینه ۴. ر.ک. ماده ۶۳ ق.ا.ح.

۱۲- گزینه ۳. ر.ک. ماده ۶۴ ق.ا.ح. و همچنین ر.ک. ماده ۷۰ همین قانون که بعد از بیان اصل، به صورت استثنایی اثر حجر را تحت شرایطی به گذشته نیز سرایت می‌دهد. ماده ۷۰ مقرر می‌دارد: اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حکم حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود.

۱۳- گزینه ۱. ر.ک. ماده ۶۴ ق.ا.ح. با قطعی شدن رأی دادگاه مبنی بر رد درخواست حجر یا قطعی شدن حکم حجر و نصب قیّم، وظیفه امین موقت پایان می‌پذیرد.

۱۴- گزینه ۴. ر.ک. ماده ۶۵ ق.ا.ح.

۱۵- گزینه ۳. طبق ماده ۶۶ ق.ا.ح.، دادستان و محجور و قیّم محجور نسبت به تصمیمات دادگاه در موارد زیر می‌توانند تجدیدنظرخواهی نمایند: حکم حجر؛ حکم بقای حجر؛ رفع حجر؛ رد درخواست حجر؛ رد درخواست بقای حجر؛ رد درخواست رفع حجر.

توجه: اگر قیّم متعدد باشد در موارد فوق‌الذکر، هر یک از آنها حق تجدیدنظرخواهی دارند.

۱۶- گزینه ۴. ر.ک. ماده ۶۶ ق.ا.ح.

۱۷- گزینه ۳. ر.ک. ماده ۶۷ ق.ا.ح.

۱۸- گزینه ۲. به موجب ماده ۶۸ ق.ا.ح.، قیّم باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت، قبول یا عدم قبول قیّموت را به دادستان اطلاع دهد و اگر در این مدت قبول خود را اطلاع نداد یا قیّموت را قبول نکرد دادستان، دادگاه را برای تعیین شخص دیگری به سمت قیّموت مطلع می‌کند و هرگاه قبل از تعیین قیّم جدید، شخصی که قبلاً به قیّموت معین شده قبول قیّموت را به دادستان اطلاع دهد شخص دیگری معین نخواهد شد.

- ۱۹- گزینه ۲. ر.ک. ماده ۷۰ ق.ا.ح.
- ۲۰- گزینه ۴. طبق ماده ۷۱ ق.ا.ح.، در مواردی که علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد دادگاه باید ابتدا تاریخ حجر را که بر او معلوم شده است در حکم خود قید نماید.
- ۲۱- گزینه ۳. معمولاً دادستان تقاضای صدور حکم حجر از دادگاه می‌نماید اما سایر اشخاص ذی‌نفع هم در صورت اقتضاء می‌توانند شخصاً از دادگاه، صدور حکم حجر را تقاضا کنند. مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۲ مورخ ۱۳۵۳/۹/۴، وظایفی که قانون در باب اعلام حجر به عهده دادستان محول کرده منافی با اینکه اشخاص ذی‌نفع در صورت اقتضاء برای اثبات حجر به دادگاه مراجعه کنند نیست.
- ۲۲- گزینه ۳. ر.ک. ماده ۱۰۲ ق.ا.ح.
- ۲۳- گزینه ۱. مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۲ مورخ ۱۳۵۳/۹/۴، دادگاه با فوت کسی که درخواست حجر وی شده است رسیدگی را به طرفیت ورثه ادامه می‌دهد و حکم مقتضی را صادر می‌کند. به عبارت دیگر، فوت کسی که درخواست حجر او شده مانع رسیدگی دادگاه نمی‌باشد. زیرا آثاری که بر حجر مترتب است با فوت محجور از بین نمی‌رود و دادگاه علی‌الاصول باید رسیدگی را به طرفیت وراث ادامه داده و حکم مقتضی صادر نماید.
- ۲۴- گزینه ۴. صدور حکم حجر یا رفع حجر در صلاحیت دادگاه خانواده است با این وجود، استثنائاً طبق ماده ۷۲ ق.ا.ح.، حکم حجر یا رفع حجر مانع نیست که اگر اهلیت یا عدم اهلیت یکی از متعاملین در دادگاهی قبل از حکم حجر و یا بعد از رفع حجر ثابت شود دادگاه به آنچه نزد او ثابت شده است ترتیب اثر دهد.
- ۲۵- گزینه ۴. طبق ماده ۷۲ ق.ا.ح.، استثنائاً اگر اهلیت یا حجر یکی از طرفین معامله، طی رسیدگی به پرونده ای به عنوان یک مسئله طاری نه اصلی مطرح گردد و دادگاه نیازمند رسیدگی بدان باشد در این صورت، همان دادگاه به عنوان یک امر مقدماتی و برای تصمیم‌گیری در موضوع اصلی، به اهلیت یا حجر نیز رسیدگی و به نتیجه‌ی اثبات شده‌ی این رسیدگی، ترتیب اثر می‌دهد.
- ۲۶- گزینه ۲. ر.ک. ماده ۷۳ ق.ا.ح.
- ۲۷- گزینه ۱. طبق ماده ۷۴ ق.ا.ح.، قیّم از تاریخی که سمت قیّمومت به او اطلاع داده می‌شود شروع به اعمال قیّمومت خواهد نمود. با این حال، به موجب ماده ۷۵ ق.ا.ح.، اگر قیّم پس از تاریخ نصب و قبل از ابلاغ به او عملی به عنوان قیّمومت نسبت به محجور کرده باشد نافذ است.

۲۸- گزینه ۱. معامله مزبور، از یک سو طبق ماده ۲۵۵ ق.م.، نیاز به تنفیذ قیّم دارد و از سوی دیگر، با توجه به ماده ۸۳ ق.ا.ح. و ماده ۱۲۴۱ ق.م.، قیّم نمی‌تواند اموال غیرمنقول مولی‌علیه را بفروشد مگر با رعایت غبطه او و تصویب دادستان.

۲۹- گزینه ۴. ر.ک. مواد ۸۰، ۸۱ و ۸۳ ق.ا.ح. وفق مواد ۸۰ و ۸۱ ق.ا.ح.، قیّم باید اموال ضایع شدنی محجور را بفروشد و در سایر موارد، قیّم می‌تواند با رعایت مصلحت، اموال منقولی را که مورد احتیاج محجور نیست بفروشد. در هر حال، قیّم باید از پول فروش اموال مزبور، با رعایت مصلحت محجور مالی خریداری و یا بترتیب دیگری که مصلحت باشد رفتار نماید.

۳۰- گزینه ۲. ر.ک. ماده ۸۴ ق.ا.ح. با توجه به ماده ۹۰ ق.ا.ح.، وجوه زائد از احتیاج صغیر را قیّم در صورت امکان نباید بدون سود بگذارد و اگر بیش از شش ماه بدون سود گذاشت، مسئول تأدیه خسارت به میزان خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود.

۳۱- گزینه ۴. ر.ک. مواد ۸۵ تا ۸۷ ق.ا.ح.

۳۲- گزینه ۲. ر.ک. ماده ۸۸ ق.ا.ح.

۳۳- گزینه ۱. ازدواج و طلاق مجنون طبق شرایط ماده ۸۸ ق.ا.ح. مربوط به مجنون بالغ اعم از ذکور یا اناث است نه صغیری که مجنون است. در مورد صغیر، قیّم مطلقاً حقی ندارد.

۳۴- گزینه ۳. گزینه‌های ۱ و ۲ به این دلیل صحیح نمی‌باشند که قیّم طبق ماده ۸۸ ق.ا.ح. در صورتی می‌تواند همسر مجنون را طلاق دهد که به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه باشد.

۳۵- گزینه ۴. استعفای قیّم به دلیل عمومی بودن وظیفه و سمت وی، منوط به پذیرش دادگاه است و گرنه رها کردن سمت قبل از قبول دادگاه، وی را مسئول ضرر و زیان می‌سازد.

۳۶- گزینه ۳. طبق ماده ۸۹ ق.ا.ح.، در صورت فوت قیّم، ورثه کبیر او اگر باشند مکلف هستند به دادستان اطلاع دهند و مادام که قیّم جدید معین نشده حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیررشدید که قیّم آنها فوت شده به عهده دادستان خواهد بود.

۳۷- گزینه ۳. به موجب ماده ۹۰ ق.ا.ح.، وجوه زائد از احتیاج صغیر را قیّم در صورت امکان نباید بدون سود بگذارد و اگر بیش از شش ماه بدون سود گذاشت مسئول تأدیه خسارت به میزان خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود. البته توجه شود که طبق ماده ۹۳، هرگاه قیّم در پول محجور به سود خود تصرف نماید از تاریخ تصرف مسئول خسارت تأخیر تأدیه می‌باشد.

۳۸- گزینه ۱. طبق ماده ۹۴ ق.ا.ح.، در صورتی که قیّم متعدد بوده و با شرکت یکدیگر در اموال محجور تعدی یا تفریط نمایند هر یک از آنها مسئولیت تضامنی دارند و اگر بعضی از قیّمین بدون شرکت دیگران تعدی یا تفریط در اموال محجور نمایند مسئولیت متوجه کسی خواهد بود که تعدی یا تفریط کرده است. بر این اساس، مسئولیت هر یک از قیّمین، مبتنی بر تقصیر (تعدی

و تفریط) است. یعنی زمانی مسئول می‌باشند که تقصیری مرتکب شوند. حال اگر چند قیم مرتکب تقصیر شوند مسئولیت هر یک در برابر محجور مسئولیتی تضامنی خواهد بود.

۳۹- گزینه ۲. طبق ماده ۹۹ ق.ا.ح.، قیم از تصمیم دادگاه راجع به عزل خود و دادستان از رد درخواست عزل قیم می‌توانند پژوهش بخواهند و مادامی که تکلیف قطعی معین نشده امور صغیر به وسیله دادستان یا قیمی که موقتا برای محجور معین می‌شود انجام خواهد شد. همچنین ر.ک. مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ ق.ا.ح.

۴۰- گزینه ۴. طبق ماده ۱۰۰ ق.ا.ح.، اعمال قیم بعد از ابلاغ حکم عزل او نافذ نیست.

۴۱- گزینه ۲. طبق ماده ۱۰۳ ق.ا.ح.، برای اداره سهم‌الارثی که ممکن است از ترکه متوفی به جنین تعلق گیرد در صورتی که جنین، ولی یا وصی (ولی خاص) نداشته باشد امینی توسط دادگاه تعیین خواهد شد. البته توجه شود که طبق ماده ۱۱۳ ق.ا.ح.، حفظ و نظارت اموال در مواردی که محتاج به تعیین امین است مادام که امین معین نشده به عهده دادستانی است که اموال در حوزه او یافت می‌شود.

۴۲- گزینه ۴. ر.ک. مواد ۱۰۵، ۱۰۷ و ۱۰۹ ق.ا.ح. و همچنین طبق ماده ۱۲۰، سمت امینی که برای جنین معین شده است پس از تولد طفل زائل می‌شود و در غیر این مورد نیز پس از زوال سببی که موجب تعیین امین شده است سمت امین زائل خواهد شد.

۴۳- گزینه ۴. ر.ک. مواد ۱۰۴، ۱۱۸ و ۱۲۳ ق.ا.ح. همچنین طبق ماده ۱۰۵ ق.ا.ح. دادگاه صالح دادگاه محل اقامت شخص عاجز است.

۴۴- گزینه ۴. به موجب ماده ۱۱۹ ق.ا.ح.، مقررات راجع به وظائف و اختیارات و مسئولیت قیم شامل امین غائب و جنین هم می‌شود. لیکن طبق ماده ۱۲۳ قانون مزبور، امینی که برای اداره اموال عاجز معین می‌شود بمنزله وکیل عاجز است و احکام وکیل نسبت به او جاری است.

۴۵- گزینه ۲. در ماده ۱۰۲۳ ق.م. گذشت یک سال از نشر اولین آگهی قید شده است اما، با توجه به ماده ۱۳۹ ق.ا.ح. (موخر التصویب) در مورد دادن اموال غایب به تصرف موقت ورثه و با توجه به ماده ۱۵۵ ق.ا.ح. در مورد صدور حکم موت فرضی، گذشتن یک سال از تاریخ نشر آخرین آگهی سه گانه متوالی، ملاک است نه اولین آگهی. گذشتن یک سال از تاریخ نشر اولین آگهی سه گانه با توجه به ماده ۱۰۲۹ ق.م. ناظر به ماده ۱۰۲۳ ق.م.، تنها در مورد صدور حکم طلاق زوجه غایب ملاک عمل خواهد بود.

توجه: نشر آگهی در دو مورد لازم نیست: ۱) چنانچه قبلاً در زمینه درخواست تصرف موقت اموال آگهی شده باشد، دادگاه به آن آگهی اکتفا می‌نماید (ماده ۱۵۵ ق.ا.ح.؛ ۲) در مورد صدور حکم موت فرضی کسانی که در جریان دفاع مقدس مفقودالاثرا شده‌اند، به موجب ماده واحده قانون اعتبار گواهی

بنیاد شهید انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۶/۱/۲۰، گواهی صادره توسط عالیترین مقام اجرایی بنیاد شهید جایگزین نشر آگهی برای صدور حکم موت فرضی است.

۴۶- گزینه ۱. به موجب ماده ۱۵۳ ق.ا.ح. ورثه‌ی غایب، وصی و موصی له می‌توانند از دادگاه درخواست صدور حکم موت فرضی غایب را نمایند.

۴۷- گزینه ۲. دادگاه صالح از نظر صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به امور غایب مفقودالاثر دادگاه خانواده است (بند ۱۵ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱). از جهت صلاحیت محلی، دادگاه خانواده آخرین اقامتگاه غایب صالح است (ماده ۱۲۶ ق.ا.ح.). اگر شخص در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاه خانواده آخرین محل سکونت وی در ایران ملاک است (ماده ۱۲۷ ق.ا.ح.). هرگاه غایب در ایران اقامتگاه یا محل سکنی نداشته یا اقامتگاه و محل سکونای او در ایران معلوم نباشد، دادگاه خانواده محلی برای رسیدگی به امور غایب صالح است که ورثه غایب در آن محل، اقامت یا سکنی دارند (ماده ۱۲۸ ق.ا.ح.). اگر وراث غایب در شهرهای متفاوتی اقامتگاه داشته باشند مطابق ماده ۶ ق.ا.ح. دادگاه خانواده اقامتگاه وارثی صالح است که قبل از محاکم دیگر درخواست وی را ثبت نموده باشد. مطابق ماده ۱۲۹ ق.ا.ح. در صورتی که ورثه غایب در ایران معلوم نباشد دادگاهی صالح است که غایب در آنجا مال دارد. اگر غایب در شهرهای متعددی مال داشته باشد تمام دادگاه‌ها صالح هستند و اعمال ملاک تاریخ ثبت دادخواست در این فرض مرجح است.

۴۸- گزینه ۴. با صدور حکم موت فرضی غایب، وراث، مالک اموال غایب به شمار می‌آیند و به همین دلیل، هنگام دادن اموال به آن‌ها هیچگونه تضمینی از آنها اخذ نخواهد شد و تضمیناتی هم که قبل از صدور حکم موت فرضی و در زمان گرفتن اموال به تصرف موقت، داده‌اند، مرتفع خواهد شد (ماده ۱۶۰ ق.ا.ح. و قسمت اخیر ماده ۱۰۲۶ ق.م.). چراکه در مرحله تصرف موقت، وراث، امین و حافظ اموال غایب هستند نه مالک.

۴۹- گزینه ۴. در صورتی که تکلیف اداره اموال غایب توسط خود وی (مثل تعیین وکیل) یا قانون مشخص شده باشد (مثل حجر غایب و نمایندگی ولی خاص یا قیم)، امین نصب نمی‌شود.

✓ طبق ماده ۱۴۰ ق.ا.ح. و مواد ۱۰۱۲ و ۱۰۲۵ ق.م.، در صورتی که غایب برای اداره اموال خود کسی را معین کرده باشد، دادگاه و دادستان در امور وی مداخله نمی‌کنند و همچنین اموال به تصرف موقت ورثه داده نمی‌شود مگر اینکه حکم موت فرضی غایب صادر شود یا وکیل فوت شود یا به جهت دیگری صلاحیتش برای اداره اموال از بین برود (ماده ۱۴۰ ق.ا.ح.).

✓ اگر غایب محجور باشد، وفق مواد ۱۱۸۰ و ۱۲۱۸ ق.م.، ولی خاص یا قیم قانوناً حق تصدی امور غایب را خواهند داشت. ولایت نمایندگان مذکور تا زمان مرگ طبیعی غایب یا صدور حکم موت فرضی ادامه خواهد داشت. با این وجود، با توجه به ماده ۱۳۶ ق.ا.ح. و مواد ۱۰۱۲ و ۱۰۲۵

ق.م.، وجود نمایندگان قانونی، تنها مداخله دادگاه یا دادستان را جهت نصب امین منتفی می‌سازد ولی نمی‌تواند مانع این امر شود که اموال به تصرف موقت ورثه داده شود (برخلاف وجود وکیل).

۵۰- گزینه ۳.

نکته ۱: حفظ اموال غایب قبل از تعیین امین، بر عهده دادستان محل وقوع مال است. اگر غایب در خارج از کشور اموالی داشته باشد به موجب ماده ۱۱۵ ق.ا.ج.، این وظیفه تا تعیین امین بر عهده‌ی مأموران کنسولی خواهد بود.

نکته ۲: ماده ۱۰۱۲ ق.م. راجع به یک نفر امین، ناظر به مورد غالب است و منعی در تعیین دو یا چند امین وجود ندارد. وانگهی عدد اصولاً مفهومی مخالف ندارد.

نکته ۳: درخواست تعیین امین از دادگاه، منوط به وجود دو شرط است: (۱) غایب برای اداره‌ی اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد (فقدان نمایندگی قراردادی؛ ۲) کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد (فقدان نمایندگی قانونی).

نکته ۴: طبق ماده ۱۰۱۳ ق.م.، محکمه می‌تواند (مختار است) از امینی که معین می‌کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید.

۵۱- گزینه ۴. ر.ک. ماده ۱۳۰ ق.ا.ج. توجه شود که اشخاص ذی‌نفع شامل هر شخصی می‌شود که به نحوی از انحاء منفعت یا حقی در اموال غایب دارند. از این رو، ماده ۱۳۰ ق.ا.ج. که اشخاص ذی‌نفع را از قبیل وراثت و بستانکار برمی‌شمارد تمثیلی است نه حصری. لذا اشخاصی مثل موصی له و اشخاص واجب‌النفعه‌ی غایب نیز حق درخواست نصب امین را دارند.

۵۲- گزینه ۴. با توجه به مواد ۱۱۷ و ۱۱۹ ق.ا.ج. ناظر به ماده ۱۲۳۱ ق.م.، اشخاص ذیل نمی‌توانند به سمت امین غایب یا قیم منصوب شوند: (۱) کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند؛ (۲) کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، اختلاس، هتک ناموس یا منافیات عفت، جنحه نسبت به اطفال، ورشکستگی به تقصیر؛ (۳) کسانی که حکم ورشکستگی آن‌ها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آن‌ها تصفیه نشده است؛ (۴) کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند؛ (۵) کسی که خود یا اقربای طبقه‌ی اول او دعوایی بر محجور داشته باشد.

۵۳- گزینه ۲. بر اساس ماده ۱۴۲ ق.ا.ج.، هر یک از امین و ورثه که اموال غایب به تصرف آن‌ها داده شده است، می‌توانند با اجازه دادستان، اموال منقول غایب را که مورد احتیاج نیست فروخته و از پول آن مال دیگری که موافق مصلحت غایب باشد، خریداری و یا اقدام دیگری که به صرفه غایب باشد بنمایند. در مقابل، قیم طبق ماده ۸۱ ق.ا.ج.، می‌تواند با رعایت مصلحت غایب، اموال منقولی را که مورد احتیاج نیست، بدون اینکه نیاز به اجازه دادستان باشد، بفروشد.

توجه: به موجب ماده ۱۴۱ ق.ا.ح.، هرگاه در بین اموال غایب، مال ضایع شدنی باشد، ورثه یا امین که اموال غایب به تصرف موقت آن‌ها داده شده (همانند قییم)، آن مال را فروخته و از نتیجه‌ی فروش با رعایت مصلحت غایب مالی خریداری و یا اقدام دیگری که به صرفه غایب باشد، می‌نماید.

۵۴- گزینه ۳. بر اساس مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ ق.ا.ح.، نفقه اشخاص واجب‌النفقه غایب و دیون غایب از وجوه نقد یا منافع اموال او داده می‌شود و در صورت عدم کفایت، از اموال منقول فروخته خواهد شد و اگر اموال منقول هم کافی نباشد از اموال غیرمنقول فروخته می‌شود. در غیر موارد مذکور، ورثه و امین حق ندارند اموال غیرمنقول غایب را بفروشند یا رهن بگذارند. وانگهی با توجه به ماده ۱۴۲ ق.ا.ح. و مواد ۱۰۱۵ و ۱۲۴۱ ق.م. و رعایت مصلحت غایب، فروش اموال منقول ضایع نشدنی یا اموال غیرمنقول غایب حتی برای پرداخت نفقه نیز منوط به اجازه دادستان است. **مقایسه:** طبق ماده ۸۳ ق.ا.ح.، فروش اموال غیرمنقول محجور توسط قییم در صورتی نافذ است که با رعایت غبطه محجور و تصویب دادستان باشد.

۵۵- گزینه ۴. ر.ک. مواد ۱۳۵ و ۱۳۶ ق.ا.ح.

۵۶- گزینه ۲. ر.ک. ماده ۱۳۹ ق.ا.ح. همچنین هرگاه غایب، کسی را برای اداره اموال خود معین کرده باشد (نماینده قراردادی)، اموال به تصرف موقت ورثه داده نمی‌شود ولی وجود نماینده قانونی برخلاف مرحله نصب امین، مانع دادن اموال به تصرف موقت ورثه نیست.

۵۷- گزینه ۱.

نکته ۱: دادن ضامن یا تضمینات کافی توسط وراث برخلاف مرحله نصب امین در این مرحله الزامی است نه به اختیار دادگاه (ماده ۱۰۲۶ ق.م.). اگر یکی از وراث، تضمین لازم را ندهد برای اداره آن سهم اقدام به نصب امین خواهد شد.

نکته ۲: دادگاه با وجود شرایط، مکلف به دادن اموال غایب به تصرف موقت ورثه نیست بلکه مختار است طبق غبطه و مصلحت غایب تصمیم بگیرد.

نکته ۳: با توجه به ماده ۱۰۲۵ ق.م. و ماده ۱۳۶ ق.ا.ح.، اگر غایب محجور باشد و ولی یا قییم داشته باشد، باز اموال وی ممکن است به تصرف موقت ورثه داده شود (برخلاف وجود وکیل برای غایب).

نکته ۴: حداقل زمان لازم برای دادن اموال غایب به تصرف موقت ورثه، سه سال و دو ماه می‌باشد.

نکته ۵: هرگاه بین ورثه غایب، غایبی بوده که محتاج به تعیین امین باشد، برای او نیز امینی معین و سهم شخص غایب به امین سپرده می‌شود (ماده ۱۵۱ ق.ا.ح.) و هرگاه بین ورثه غایب، محجوری باشد سهم او به ولی یا قییم یا وصی محجور سپرده خواهد شد (ماده ۱۵۲ ق.ا.ح.).

نکته ۶: مطابق ماده ۱۴۳ ق.ا.ح.، در موردی که اموال غایب به ورثه تسلیم می‌شود هرگاه وصیتی شده باشد باید اموال مورد وصیت، به وصی یا موصی‌له داده شود مشروط بر اینکه مطابق ماده ۱۰۲۶ ق.م.، تأمین بدهند. با این وجود، موصی‌له یا وصی حق درخواست دادن اموال به تصرف موقت را ندارند. این حق مختص وراث است.

نکته ۷: ورثه و وصی و موصی‌له که اموال غائب موقتاً به آنها تسلیم می‌شود باید اموال را با رعایت مصلحت غائب حفظ و اداره نمایند و آن‌ها در اداره اموال غائب بمنزله وکیل او خواهند بود (ماده ۱۴۴ ق.ا.ح.). فلذا می‌توانند از دادگاه درخواست تعیین حق‌الزحمه نمایند (ماده ۱۵۰ ق.ا.ح.).

۵۸- گزینه ۲.

نکته ۱: تقسیم ترکه مفهومی نزدیک به افراز دارد و مقررات قانون مدنی راجع به تقسیم در مورد تقسیم ترکه نیز جاری است (ماده ۳۲۶ ق.ا.ح.). لیکن مرجع رسیدگی به تقسیم ترکه (اعم از منقول و غیرمنقول) دادگاه است در حالی که افراز املاک مشاع، که جریان ثبتی آنها خاتمه یافته باشد (اعم از اینکه در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد) با واحد ثبتی محل وقوع ملک است (ماده اول قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷). املاک در جریان ثبت و نیز اموال منقول از شمول حکم استثنایی ماده مزبور خارج هستند.

نکته ۲: طبق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۱۹ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۰، مستفاد از مقررات قانون امور حسبی راجع به تقسیم، تقسیم ترکه در صورت عدم تراضی ورثه امری است که محتاج رسیدگی قضایی است و باید در دادگاه به عمل آید. همین حکم در موردی هم که ترکه منحصر به یک یا چند مال غیرمنقول باشد، جاری است.

۵۹- گزینه ۱. اگر بین وراث، محجور یا غایبی باشد تقسیم ترکه باید در دادگاه و به توسط نمایندگان انجام گیرد (ماده ۳۱۳ ق.ا.ح.).

۶۰- گزینه ۳. ر.ک. ماده ۳۰۱ ق.ا.ح. طلبکاران مورث در زمره ذی‌نفعان در تقسیم ترکه نیامده‌اند. زیرا تقسیم به طور معمول بعد از تصفیه ترکه است و دیگر اینکه نفعی در تقسیم ندارند. زیرا تمام ترکه وثیقه طلبکاران است و احتمال دارد نیز از تقسیم زیان ببینند.

۶۱- گزینه ۲.

نکته ۱: طبق ماده ۸۷۱ ق.م.، هرگاه ورثه نسبت به اعیان ترکه معاملاتی نمایند مادام که دیون ترکه تادیه نشده است معاملات مزبور نافذ نبوده و دیان می‌توانند آن را بر هم زنند.

نکته ۲: وفق ماده ۶۰۶ ق.م.، هرگاه ترکه میت قبل از ادای دیون تقسیم شود و یا بعد از تقسیم معلوم گردد که بر میت دینی بوده است طلبکار باید به هریک از وراث به نسبت سهم او رجوع

کند و اگر یک یا چند نفر از وراث معسر شده باشد طلبکار می‌تواند برای سهم معسر یا معسرین نیز به وراث دیگر رجوع نماید.

۶۲- گزینه ۱. تقسیم ترکه قبل از پرداخت دیون، نافذ است لیکن سبب از بین رفتن وثیقه طلبکاران نخواهد شد فلذا ضمان آور است (ماده ۶۰۶ ق.م.ا. در مقابل، تصرف ناقل عین (مثل فروش مال) قبل از ادای دیون، غیرنافذ است (ماده ۸۷۱ ق.م.ا)).

۶۳- گزینه ۴.

نکته ۱: قبول بی قید و شرط ترکه، این اماره را علیه وارثی که ترکه را بدون قید و شرط قبول نموده است ایجاد می‌کند که ترکه حداقل به اندازه دیون است (اماره کفایت ترکه). در این صورت، وارث مزبور در صورتی می‌تواند از مسئولیت پرداخت دیون رهایی یابد که عدم کفایت ترکه برای کلیه دیون و یا تلف ترکه را اثبات نماید (مواد ۲۴۸ و ۲۲۶ ق.ا.ح.).

نکته ۲: اگر وارثی ترکه را به شرط تحریر قبول نماید مسئولیتی در قبال پرداخت دیون مزاد بر ترکه ندارد (ماده ۲۵۵ ق.ا.ح.).

نکته ۳: اگر وارثی ترکه را رد نماید هیچ مسئولیتی در قبال پرداخت دیون مزاد ندارد اما اگر پس از تصفیه ترکه و پرداخت دیون، چیزی باقی بماند سهم‌الارث وی به او داده می‌شود (ماده ۲۵۸ ق.ا.ح.). زیرا مالکیت وی به صرف فوت قهراً ایجاد شده است و رد ترکه صرفاً به معنای رد اداره و تصفیه ترکه است.

نکته ۴: اگر تمام وراث ترکه را رد نمایند ترکه مزبور در حکم ترکه متوفای بلاوارث است که مطابق مواد ۳۲۷ به بعد ق.ا.ح.، به وسیله مدیر تصفیه منتخب دادگاه اداره و تصفیه می‌شود. البته هرگاه بعد از تصفیه، اموالی باقی بماند بین وراث تقسیم خواهد شد. زیرا رد ترکه صرفاً به معنای رد اداره و تصفیه ترکه است.

نکته ۵: هرچند اموال ترکه مانند وثیقه طلب است اما در صورت آماده بودن ورثه برای ادای دین، طلبکاران حق مطالبه عین ترکه را ندارند (ماده ۲۲۸ ق.ا.ح.).

۶۴- گزینه ۴. ر.ک. ماده ۲۵۰ ق.ا.ح.

نکته ۱: بر اساس ماده ۲۵۱ ق.ا.ح.، در صورتی که ترکه تحریر شده باشد مدت اعلام رد، از تاریخ تحریر ترکه به وارث شروع می‌شود. مقصود از تحریر ترکه تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی است (ماده ۲۰۶ ق.ا.ح.).

نکته ۲: به موجب ماده ۲۵۹ ق.ا.ح.، در صورت تحریر ترکه، وارثی که در مدت مقرر، قبول یا رد خود را اظهار نکرده باشد در حکم کسی است که مطابق صورت تحریر ترکه، دیون را قبول کرده باشد. یعنی اگر دیون مزاد بر اموال باشد اماره کفایت دارایی علیه وی وجود نخواهد داشت.

نکته ۳: طبق ماده ۲۵۰ ق.ا.ح. و با توجه به مفهوم مخالف ماده ۲۵۹، در فرض عدم تحریر ترکه، سکوت و عدم رد ترکه ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع از فوت مورث، در حکم قبول بی‌قید و شرط ترکه تلقی می‌شود. یعنی وارث مزبور، در صورت عدم کفایت دارایی، طبق ماده ۲۴۸ ق.ا.ح. مسئول پرداخت دیون است مگر اینکه عدم کفایت دارایی یا تلف آن اموال بدون تقصیر وی را اثبات نماید.

۶۵- گزینه ۲. طبق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۴-۱۳۵۱/۱۰/۱۳، اجازه بعضی از ورثه، در صورتی که وصیتنامه بر طبق ماده ۲۹۱ ق.ا.ح. تنظیم نشده باشد، درباره سهم امضاکننده‌ی وصیتنامه مؤثر است و عدم تصدیق بعضی از ورثه، مانع نفوذ و اعمال وصیت در سهم وراثی که آن را قبول کرده‌اند نمی‌باشد و ماده ۸۳۲ ق.م. نیز مؤید این معنی است و بر طبق مواد ۱۲۷۵ و ۱۲۷۸ ق.م.، اقرار هر کس نسبت به خود آن شخص، نافذ و مؤثر است و ملزم به اقرار خود خواهد بود.

۶۶- گزینه ۱. شخصی که وارث ندارد می‌تواند در تمام ترکه خود تصرف کند و وصیت او محدود به ثلث نیست (دکتر امامی، حقوق مدنی، ج ۳، ص ۱۰۸). زیرا ماده ۸۶۶ ق.م.، ناظر به اداره ترکه توسط حاکم است نه تملک آن. وانگهی واگذارند ترکه بدون وارث به خزانه عمومی به عنوان مال مجهول‌المالک یا بدون مالک است و اجرای وصیت بر آن مقدم است (ماده ۳۳۵ ق.ا.ح.). از سوی دیگر، حفظ حقوق وراث است که مانع اعمال اصل تسلیط شده و اختیار موصی را محدود به ثلث نموده است. پس با فقدان مانع باید اختیار موصی را در وصیت به کل ترکه پذیرفت (دکتر کاتوزیان، عقود معین ۳، صص ۳۸۰ و ۳۸۱).

۶۷- گزینه ۳.

نکته ۱: وصیتنامه خودنوشت طبق ماده ۲۷۸ ق.ا.ح.، وصیتنامه‌ای است که تمام آن به خط موصی نوشته شده و دارای تاریخ روز و ماه و سال به خط موصی بوده و به امضای او رسیده باشد.

نکته ۲: به موجب ماده ۲۷۹ ق.ا.ح.، وصیتنامه سری ممکن است به خط موصی یا به خط دیگری باشد ولی در هر صورت باید به امضای موصی برسد و به ترتیبی که برای امانت اسناد در قانون مقرر گردیده در اداره ثبت اقامتگاه موصی یا محل دیگری که در آیین نامه معین می‌گردد، امانت گذارده می‌شود. وانگهی طبق ماده ۲۸۰ ق.ا.ح.، کسی که سواد ندارد نمی‌تواند به ترتیب سری وصیت نماید ولی ضرورتی ندارد که وصیتنامه سری به خط موصی باشد. بعلاوه، وصیتنامه مزبور نیاز به تاریخ ندارد و تاریخ آن از سند ثبت آن در دفتر امانات معلوم می‌شود.

نکته ۳: تنظیم و اعتبار وصیتنامه رسمی همچون سایر اسناد رسمی است (ماده ۲۷۷ ق.ا.ح.).

۶۸- گزینه ۱. طبق ماده ۲۳۱ ق.ا.ح.، دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می‌شود.

قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷

پرسش‌ها

۶۹- در نظام حقوقی ما کدام عبارت درباره مبنای مسئولیت مدنی صحیح است؟

(دکتری سراسری، ۹۱)

- ۱) مسئولیت به دو عنوان کلی «اتلاف» و «تسبیب» منتهی می‌شود.
- ۲) مسئولیت مبتنی بر تقصیر اصل و مسئولیت بی تقصیر استثنا است.
- ۳) مسئولیت بی تقصیر اصل و مسئولیت مبتنی بر تقصیر استثنا است.
- ۴) جز در اجتماع سبب و مباشر، مسئولیت بی تقصیر اصل است.

۷۰- بر اساس نظریه تضمین حق، کدام عبارت صحیح است؟

(دکتری سراسری، ۹۱)

- ۱) به منظور تضمین حق زیان‌دیده هر زیانی قابل مطالبه است.
- ۲) خسارت صرفاً در صورتی قابل مطالبه است که واردکننده زیان از حق خود سوء استفاده کرده باشد.
- ۳) اگر لازمه اجرای اصل حقی ورود زیان به دیگران باشد خسارت ناشی از آن قابل مطالبه نیست.
- ۴) مطالبه زیان‌های وارده به اشخاص، به طور کلی، باید توسط دولت تضمین شود.

۷۱- با توجه به کلیه فروض مختلفی که ممکن است پیش آید، ضمان غاصب با کدام یک

از نظریه‌هایی که درباره مبنای مسئولیت مدنی عرضه شده‌اند انطباق دارد؟

(ارشد سراسری، ۸۵)

- ۱) خطر
- ۲) تضمین
- ۳) تقصیر شخصی (نظریه سنتی تقصیر)
- ۴) تقصیر نوعی (نظریه جدید تقصیر)

۷۲- کدام یک از موارد زیر از شرایط ضرر قابل جبران نمی‌باشد؟

(ارشد سراسری، ۸۰)

- ۱) احتمالی بودن ضرر
- ۲) شخصی بودن ضرر
- ۳) قبلاً جبران نشده بودن ضرر
- ۴) مشروع بودن مطالبه خسارت

۷۳- جبران زیان را به صورت مستمری (ارشد سراسری، ۸۱)

- ۱) فقط هنگامی می‌توان تعیین کرد که مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد.
- ۲) فقط هنگامی می‌توان تعیین کرد که قانون آن را تجویز نماید.
- ۳) نمی‌شود تعیین کرد مگر اینکه مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید.
- ۴) هیچگاه نمی‌شود تعیین کرد.

۷۴- به صرف کدام یک از دلایل زیر دادگاه نمی‌تواند میزان خسارت را تخفیف دهد؟

(ارشد سراسری، ۷۵)

- ۱) هرگاه زیان دیده از تمکن مالی برای تحمل زیان برخوردار باشد.
- ۲) هرگاه پس از وقوع خسارت، واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد.
- ۳) هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلیتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود.
- ۴) وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد.

۷۵- هرگاه در موقع صدور حکم تعیین عواقب و آثار صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد، تکلیف دادگاه چیست؟

- ۱) دادگاه باید پیش از صدور حکم طبق نظر کارشناس عواقب صدمات بدنی را به طور دقیق معین نماید.
- ۲) دادگاه از تاریخ صدور حکم تا ده سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم را خواهد داشت.
- ۳) دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم را خواهد داشت.
- ۴) دادگاه باید قبل از صدور حکم عواقب صدمات بدنی را به هر طریق ممکن معین نماید و حکمی که صادر می‌کند مطلقاً قابل تجدیدنظر در همان دادگاه نمی‌باشد.

۷۶- کدام یک از اشخاص زیر نمی‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده‌ای که بر اثر حادثه زیان‌بار فوت کرده است دعوی مسئولیت مدنی طرح کند ولی می‌تواند به اقامه دعوی شخصی علیه عامل مرگبار مبادرت ورزد؟
(ارشد سراسری، ۸۱)

- ۱) دختر مجرد شخص متوفی.
- ۲) زوجه دائم شخص متوفی.
- ۳) مادر شخص متوفی که از او نفقه دریافت می‌کرده است.
- ۴) زوجه شخص متوفی که در عقد انقطاع حق دریافت نفقه از زوج را تحصیل کرده است.

۷۷- با توجه به قانون مسئولیت مدنی کدام یک از گزینه‌های زیر نادرست است؟

- ۱) در صورتی که مرگ آسیب دیده، فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد.
- ۲) در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت.
- ۳) در جبران خسارت‌های بازتابی در قالب مستمری، گرفتن تأمین وابسته به نظر دادگاه با توجه به اوضاع و احوال می‌باشد.
- ۴) الزام واردکننده زیان به پرداخت مبلغی به عنوان مستمری باید متناسب با مدتی باشد که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده باشد.

۷۸- اگر کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا برحسب قرارداد به عهده او می‌باشد مرتکب تقصیری در نگاهداری یا مواظبت نشده باشد مسئولیت جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر با کیست؟
(ارشد سراسری، ۷۴)

- ۱) اگر مجنون یا صغیر استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشند، جبران زیان بر عهده سرپرست یا محافظ او خواهد بود.
- ۲) جبران نیمی از زیان وارده از محل اموال مجنون یا صغیر به عمل خواهد آمد و جبران نیم دیگر بر عهده سرپرست یا محافظ خواهد بود.
- ۳) در هر حال، زیان وارده به طور کامل باید از محل اموال مجنون یا صغیر جبران شود.
- ۴) زیان وارده از محل اموال مجنون یا صغیر تا حدی که موجب عسرت و تنگدستی او نشود، باید جبران گردد.

۷۹- در ارتباط با زیان وارد شده توسط صغیر یا مجنون، با توجه به ماده ۷ قانون مسئولیت

مدنی و ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟ (ارشاد سراسری، ۸۰)

(۱) به هنگامی که سرپرست یا محافظ صغیر یا مجنون در نگهداری یا مواظبت از او مرتکب تقصیر نگشته و صغیر یا مجنون استطاعت جبران تمام خسارت را دارد، صغیر یا مجنون به تأدیه کل خسارات وارده ملزم می‌شود.

(۲) وقتی که سرپرست یا محافظ صغیر یا مجنون در نگهداری یا مواظبت از او مرتکب تقصیر نگشته و صغیر یا مجنون استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را ندارد، صغیر یا مجنون فقط تا حدی که موجب عسرت و تنگدستی او نشود به جبران خسارت ملزم خواهد شد و باقیمانده خسارت از محل اموال سرپرست یا محافظ صغیر یا مجنون پرداخت خواهد گردید.

(۳) کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر بر عهده او می‌باشد و مرتکب تقصیر گشته و در نتیجه مسئول جبران خسارت است، استطاعت لازم برای جبران را دارا می‌باشد؛ در این حالت وی تمام خسارت را پرداخت می‌کند.

(۴) کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر بر عهده او می‌باشد و مرتکب تقصیر گشته، استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را ندارد، در این حالت بر حسب مورد خسارت کلاً یا جزئاً از مال صغیر یا مجنون جبران می‌گردد.

۸۰- والدین صغیری نگهداری او را در ساعات اداری به موجب قرارداد به مهد کودک

سپرده‌اند در همین مدت، صغیر به دیگری خسارت وارد می‌سازد، کدام مورد در خصوص

مسئولیت جبران خسارت، صحیح است؟ (۵۹کالت، ۹۵)

(۱) اصولاً والدین مسئول جبران خسارت هستند، مگر اینکه ثابت کنند تقصیری در تربیت طفل نکرده‌اند.

(۲) صغیر مسئول است و باید از مال او، جبران خسارت شود.

(۳) صغیر، مهدکودک و والدین، مسئولیت تضامنی دارند.

(۴) مهد کودک در هر حال مسئول جبران خسارت است.

۸۱- شخصی به موجب قرارداد نگهداری از مجنونی را به عهده گرفته است، مجنون به دیگری

خسارت زده، در چه صورتی نگهدارنده مسئول جبران خسارت است؟ (ارشاد سراسری، ۸۶)

(۱) چون نقض قرارداد اماره بر تقصیر اوست، باید ثابت کند که در نگهداری از مجنون کوتاهی نکرده است تا از مسئولیت معاف شود.

(۲) در صورتی که در نگهداری از مجنون تقصیر کرده باشد و تقصیر او توسط زیان دیده ثابت شود.

(۳) باید ثابت کند که حادثه خارجی مانع انجام وظیفه او در نگهداری از مجنون شده است تا از مسئولیت معاف گردد.

(۴) مجنون شخصاً مسئول است و نگهدارنده مسئولیتی ندارد.

۸۲- در خصوص مسئولیت مدنی کودک غیرممیز کدام عبارت صحیح نیست؟ (وکالت، ۹۱)

- ۱) کودک غیرممیز در قبال ضرر و زیان ناشی از جرم مسئولیت مدنی دارد.
- ۲) چنانچه خسارات ناشی از فعل کودک غیرممیز منحصرأً به دلیل تقصیر سرپرست کودک در نگهداری او باشد، خود کودک در هیچ فرضی تکلیفی به پرداخت خسارت ندارد.
- ۳) کودک غیرممیز در قبال خسارات بدنی که به دیگران وارد می‌کند تا میزان دیه مسئولیت مدنی ندارد.
- ۴) چنانچه خسارات ناشی از فعل کودک غیرممیز منحصرأً به دلیل تقصیر سرپرست کودک در نگهداری او وارد شده باشد و سرپرست به دلیل عدم تمکن مالی توانایی پرداخت بخشی از خسارات زیان‌دیده را نداشته باشد، مابقی خسارت از اموال خود کودک پرداخت می‌شود.

۸۳- در دعوی مسئولیت مدنی در کدام مورد زیان‌دیده باید تقصیر واردکننده زیان را اثبات نماید؟

(دکتری سراسری، ۹۳)

- ۱) در دعوی زیان‌دیده علیه مربی مهدکودک به خاطر خسارات ناشی از فعل کودک.
- ۲) در دعوی مالک مال مسروقه علیه خریداری که از مسروقه بودن آن مال اطلاع نداشته باشد.
- ۳) در دعوی مسافر علیه متصدی حمل دریایی، چنانچه خسارات بدنی ناشی از غرق شدن کشتی باشد.
- ۴) در دعوی همسایه زمین فوتبال، علیه بازیکنی که در نتیجه پرتاب توپ شیشه‌ی آن ملک را شکسته است.

۸۴- چنانچه شخصی در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبار و موقعیت دیگری زیان وارد آورد و در اثر انتشارات مزبور مشتریان زیان‌دیده کم و یا در معرض از بین رفتن باشد، زیان‌دیده چه حقی دارد؟

- ۱) در صورت اثبات تقصیر، می‌تواند زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید.
- ۲) می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را درخواست نماید.
- ۳) صرفاً می‌تواند از دادگاه جبران خسارات معنوی وارده را بخواهد.
- ۴) گزینه ۱ و ۲.

۸۵- در یک فیلم «حرفه وکالت دادگستری» مورد اهانت واقع شده است. چه کسی حق

مطالبه خسارت دارد؟ (دکتری سراسری، ۹۱)

- ۱) دادستان یا هر شخصی در جامعه
- ۲) هر وکیل دادگستری یا کانون وکلای دادگستری
- ۳) هر وکیل دادگستری
- ۴) کانون وکلای دادگستری

۸۶- دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیردست بودن، حاضر برای هم‌خوابگی نامشروع شده است حق مطالبه چه خسارتی را دارد؟

- (۱) می‌تواند از مرتکب صرفاً زیان مادی را مطالبه کند.
- (۲) می‌تواند از مرتکب یکی از زیان‌های مادی یا معنوی را مطالبه کند.
- (۳) می‌تواند از مرتکب علاوه بر زیان مادی، مطالبه زیان معنوی هم بنماید.
- (۴) صرفاً حق مطالبه زیان معنوی را خواهد داشت.

۸۷- جبران خسارت ناشی از اعمال کارکنان دولت که به مناسبت انجام دادن وظیفه صورت می‌پذیرد به عهده کیست؟ (ارشاد سراسری، ۸۲)

- (۱) جبران خسارت در هر حال به عهده دولت است.
- (۲) جبران خسارت در هر حال به عهده کارمند است.
- (۳) دولت و کارمندان آن از بابت انجام وظیفه خود خسارت نمی‌پردازند.
- (۴) خسارت ناشی از عمد و بی‌احتیاطی به عهده کارمند است و خسارت ناشی از نقص وسایل ادارات به عهده دولت.

۸۸- کدام گزینه در خصوص مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ما صحیح است؟ (ارشاد سراسری، ۹۳)

- (۱) دولت مسئول کلیه زیان‌هایی است که مأموران او به مناسبت انجام وظیفه خود به دیگران وارد می‌سازند.
- (۲) دولت مسئول کلیه زیان‌هایی است که از اقدامات او یا کارکنانش به بار می‌آید.
- (۳) دولت مسئول خسارات حاصل از بی‌احتیاطی کارمندان خود نیست.
- (۴) دولت در قبال اشتباهات کارکنانش به هیچ وجه مسئولیت ندارد.

۸۹- اگر در اثر اشتباه قاضی، ضرری متوجه افراد شود و قاضی مقصر نباشد، جبران خسارت به عهده چه کسی است؟ (قضاوت، ۹۱)

- (۱) شخص خود قاضی (۲) دولت (۳) قوه قضاییه (۴) وزارت دادگستری

۹۰- طبق قانون مسئولیت مدنی، مبنای مسئولیت کارفرما در قبال اعمال کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن، کدام یک از نظریه‌های زیر است؟

- (۱) تقصیر (۲) فرض تقصیر (۳) نظریه خطر (۴) نظریه تضمین حق

۹۱- کدام یک از موارد زیر در زمره شرایط تحقق مسئولیت مدنی کارفرمایان پیش‌بینی شده در قانون مسئولیت مدنی در قبال زیان‌های وارده توسط کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن نمی‌باشد؟ (ارشاد سراسری، تصدات ۸)

- ۱) مشمول قانون کار بودن کارفرما.
- ۲) اثبات تقصیر کارفرما توسط زیان‌دیده.
- ۳) خواهان باید ورود زیان به خویشتن را به اثبات برساند.
- ۴) خواهان ملزم به اثبات وجود رابطه سببیت میان ضرر وارده به خود و فعل یا ترک فعل کارگران و کارکنان کارفرما می‌باشد.

۹۲- آیا مسئولیت کارفرما در برابر زیان‌دیده منوط به تقصیر کارگر است؟

- ۱) مسئولیت کارفرما در برابر زیان‌دیده منوط به تقصیر کارگر نیست.
- ۲) زیان‌دیده در صورت اثبات تقصیر کارگر حق رجوع به کارفرما را دارد ولی اثبات تقصیر کارفرما شرط نیست.
- ۳) زیان‌دیده صرفاً با اثبات تقصیر کارگر و نیز کارفرما حق رجوع به کارفرما را دارد.
- ۴) زیان‌دیده در صورت اثبات تقصیر کارفرما حق رجوع به کارفرما را دارد ولی اثبات تقصیر کارگر شرط نیست.

۹۳- اگر چند کارگر یک شرکت تجاری حین انجام کار مجتمعاً به شخص ثالثی زیانی وارد سازند، کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) زیان‌دیده می‌تواند به هر یک از کارگرانی که طبق قانون مسئول شناخته می‌شوند رجوع کند که مسئولیت کارگران مسئول، تضامنی است و یا بر مبنای ماده ۱۲ ق.م.م. به شرکت مراجعه کند.
- ۲) زیان‌دیده می‌تواند به هر یک از کارگران مسئول بر اساس نحوه مداخله هر یک مراجعه کند یا بر مبنای ماده ۱۲ ق.م.م. به شرکت.
- ۳) زیان‌دیده صرفاً می‌تواند به هر یک از کارگران مسئول مراجعه کند که هر کدام متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند.
- ۴) زیان‌دیده صرفاً می‌تواند به شرکت مراجعه کند.

۹۴- اگر چند کارگر یک شرکت تجاری حین انجام کار به دلیل عیوب ابزار کار یا موادی که از طرف شرکت در اختیار کارگران بوده، مجتمعاً به اموال شخص ثالثی زیانی وارد سازند، زیان‌دیده از چه شخص یا اشخاصی حق مطالبه خسارت دارد؟

(۱) زیان‌دیده می‌تواند به هر یک از کارگران رجوع کند که مسئولیت کارگران، تضامنی است و بر مبنای ماده ۱۲ ق.م.م. به شرکت.

(۲) زیان‌دیده می‌تواند به هر یک از کارگران بر اساس نحوه مداخله هر یک مراجعه کند یا بر مبنای ماده ۱۲ ق.م.م. به شرکت.

(۳) زیان‌دیده صرفاً می‌تواند به هر یک از کارگران مراجعه کند که هرکدام متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند.

(۴) زیان‌دیده صرفاً می‌تواند به شرکت مراجعه کند.

۹۵- هرگاه کارفرما به تکلیف بیمه عمل نکند و در نتیجه خود مجبور به جبران خسارتی که چند کارگر مجتمعاً به ثالث وارد نمودند، شود، کدام گزینه صحیح می‌باشد؟

(۱) می‌تواند به کارگرانی که طبق قانون مسئول باشند، مراجعه کند که در این صورت، کارگران در برابر کارفرما مسئولیت تضامنی دارند.

(۲) می‌تواند به کارگرانی که طبق قانون مسئول باشند، مراجعه کند که در این صورت، مسئولیت توسط دادگاه بر اساس نحوه مداخله هر یک تعیین می‌شود.

(۳) کارفرما اصلاً حق مراجعه به کارگران را ندارد.

(۴) می‌تواند به کارگرانی که طبق قانون مسئول باشند، مراجعه کند که در این صورت، کارگران در برابر کارفرما مسئولیت اشتراکی دارند.

۹۶- هرگاه چند کارگر مشمول ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، مجتمعاً خسارتی به دیگری وارد سازند، در توزیع نهایی مسئولیت، کدام مورد صحیح است؟ (وکالت، ۹۸)

(۱) کارگران، به تساوی مسئولیت دارند.

(۲) کارفرما و کارگران، متضامناً مسئول هستند.

(۳) مسئول نهایی جبران ضرر، در هر حال کارفرماست.

(۴) میزان مسئولیت آنان، با توجه به نحوه مداخله آنان تعیین می‌شود.

۹۷- کدام یک از گزینه‌های زیر در رابطه با شرایط دفاع مشروع صحیح نمی‌باشد؟

- ۱) حمایت اجتماعی از شخص در معرض خطر وجود نداشته باشد مثلاً توسل به قوای دولتی ممکن نباشد.
- ۲) اگر امکان فرار و گریز از خطر وجود داشته باشد با این وجود شخص از منافع یا جان خویش دفاع کند، دفاع حتی با جمع سایر شرایط مشروع نیست.
- ۳) دفاع باید در برابر عمل نامشروع باشد. مقاومت در برابر مأمور دولتی اصولاً دفاع مشروع نیست.
- ۴) دفاع باید متناسب با ضرری باشد که شخص را تهدید می‌کند. در غیر این صورت، دفاع کننده مسئول قسمت مازاد بر دفاع است.

۹۸- کدام عبارت صحیح است؟ (وکالت، ۹۱)

- ۱) مضطر مسئولیت مدنی دارد.
- ۲) بعد از اصلاح ماده ۹۴۶ قانون مدنی در سال ۱۳۸۷، زوج و زوجه از لحاظ شرایط ارث بردن برابر شده‌اند.
- ۳) وصیت برای یکی از ورثه منوط به تنفیذ سایر وراث است.
- ۴) در حقوق ایران در حقوق تجارت مسئولیت اصولاً تضامنی است، مگر اینکه خلاف آن شرط شود، اما در حقوق مدنی مسئولیت تضامنی وجود ندارد مگر اینکه در ضمن قرارداد شرط شده باشد.

۶۹- گزینه ۲. در نظام حقوقی ایران طبق ماده ۱ ق.م.م، اصولاً مسئولیت مبتنی بر تقصیر است یعنی قاعده کلی این است که شخص در صورتی مسئول زیان ناشی از کار خویش است که مرتکب تقصیر شده باشد مگر در موارد استثنایی که مسئولیت بدون تقصیر پیش بینی شده باشد مثل مسئولیت ناشی از اتلاف مال غیر.

توجه: با توجه به رای وحدت رویه شماره ۶۰/۱ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، تقصیر مفهومی نوعی دارد که عبارت است از رفتار غیر متعارف و به قوه تمیز و درک و اراده شخص توجهی نمی‌شود. در نتیجه محجورین نیز می‌توانند مقصر باشند اگر مانند یک انسان متعارف رفتار نکنند.

۷۰- گزینه ۳.

نکته ۱: به موجب نظریه تضمین حق، هر کس در جامعه دارای حقی قابل حمایت است که باید به وسیله جبران خسارت، تضمین شود. به عبارت دیگر، ضمانت اجرای حمایت حق توسط قانون، مسئولیت مدنی متجاوز است. تجاوز به حق دیگری بدون توجه به ممنوع یا مباح بودن کار متجاوز، مبنای مسئولیت است. طبق این نظریه، اصل بر مسئولیت است و حتی قوه قاهره نیز نمی‌تواند مانع مسئولیت شخص شود و تنها اقدام خود زیان دیده بر مبنای قاعده اقدام می‌تواند مانع مسئولیت باشد. این نظریه با مسئولیت ناشی از غصب یا آنچه که در حکم غصب است، قابل مقایسه است.

نکته ۲: طبق نظریه تضمین حق، در تراحم میان حق عامل زیان و زیان دیده، باید میان دو فرض تفکیک قائل شد: اگر لازمه اجرای اصل حقی ورود زیان به دیگران باشد خسارت ناشی از آن قابل مطالبه نیست. زیرا الزام به جبران این زیان به معنای انکار حق است. البته مشروط بر اینکه شخص حق خود را درست اعمال کند و مرتکب تقصیر نشود. در مقابل، اجرای برخی از حقوق لزوماً با زیان دیگران ملازمه ندارد. مثل حق رانندگی و حق حیات. در این موارد عامل زیان باید خسارات وارده را جبران کند حتی اگر تقصیری مرتکب نشده باشد. زیرا پایمال کردن حق حیات یا مال دیگران جزء مفاد و از لوازم حق راندن اتومبیل نیست. یعنی الزام به جبران خسارت ناشی از راندن اتومبیل به معنی انکار حق راندن اتومبیل نیست (دکتر کاتوزیان، مسئولیت مدنی، ج ۱، صص ۱۹۸ و ۱۹۹).

۷۱- گزینه ۲. ن.ک. نکته ۱ ذیل پاسخ سوال قبل.

۷۲- گزینه ۱. به صرف احتمال ورود زیان در آینده، نمی‌توان کسی را به جبران خسارت محکوم کرد. لذا مسلم بودن ضرر یکی از شرایط ضرر قابل مطالبه در مسئولیت مدنی می‌باشد.

۷۳- گزینه ۳. طبق ماده ۳ ق.م.م، دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد. جبران زیان را به صورت مستمری نمی‌شود تعیین کرد مگر آنکه مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید.

۷۴- گزینه ۱. به موجب ماده ۴ ق.م.م، دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد: الف) هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان‌دیده کمک و مساعدت کرده باشد؛ ب) هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بود که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود؛ ج) وقتی که زیان‌دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد.

۷۵- گزینه ۳. بر اساس ماده ۵ ق.م.م، اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می‌نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص اینکه به چه اندازه و تا چه میزان و تا چه مبلغ می‌توان از واردکننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است. اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم را خواهد داشت.

توجه: اصولاً حکمی که از یک دادگاه صادر می‌شود، قابل تجدیدنظر در همان دادگاه نمی‌باشد اما قسمت اخیر ماده ۵ ق.م.م، استثنائاً در مواردی که در زمان صدور حکم، تعیین عواقب و آثار صدمات بدنی به تحقیق ممکن نباشد امکان تجدیدنظر را پیش‌بینی نموده است زیرا آسیب بدنی نوعاً ثابت نمی‌ماند. البته اختیار تجدیدنظر تنها ناظر به صدور رأی نسبت به خسارت اضافی است ولی کاستن از میزان خسارتی که در حکم آمده است با اعتبار امر مختوم منافات دارد مگر اینکه دادگاه چنین اقدامی را در حکم اعلام کرده باشد که حکم در این‌باره موقتی است نه قاطع.

نکته: اگر هزینه زندگی بالا برود بدون اینکه تغییری در وضع آسیب‌دیده حاصل شود، دادگاه حق تجدیدنظر ندارد.

۷۶- گزینه ۴. خسارت‌های بازتابی یا انعکاسی، زیان‌های وارده به خود اشخاص ثالث می‌باشد که ناشی از زیان وارده به زیان‌دیده اصلی است. طبق ماده ۱ و همچنین ماده ۶ ق.م.م، خسارت‌های بازتابی یا انعکاسی، در صورتی قابل جبران هستند که میان زیان‌دیده اصلی و ثالث، رابطه حقوقی قانوناً مورد حمایتی وجود داشته باشد (برای مثال، صدمه به برادری که اخلاقاً نیاز برادر ناتوان و

مستمند خود را تأمین می کرده است، عامل زیان را در برابر برادر مستمند مسئول نمی‌سازد. زیرا رابطه حقوقی قانوناً مورد حمایتی در انفاق به خویشاوندان در خط اطراف مثل برادر یا خواهر وجود ندارد. در رابطه با هر چهار گزینه سوال، رابطه حقوقی قانوناً مورد حمایت وجود دارد. اما طرح دعوای مسئولیت مدنی به قائم‌مقامی زیان‌دیده‌ای که بر اثر حادثه زیان‌بار فوت کرده است، برای مطالبه زبانی است که به شخص متوفی وارد شده بود. از آنجایی که زوجه موقت متوفی طبق ماده ۹۴۰ ق.م. از زوج ارث نمی‌برد، لذا با فوت زوج نمی‌تواند قائم‌مقام زوج محسوب شود تا بتواند خسارات وارد به زوج را مطالبه نماید.

۷۷- گزینه ۳. در جبران خسارت‌های بازتابی در قالب مستمری، گرفتن تأمین ضروری بوده و تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است. وانگهی به موجب ماده ۶ ق.م.م، در صورت مرگ آسیب دیده، زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می‌باشد. اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان‌دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری می‌نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد واردکننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب با مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت، تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است. در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت.

۷۸- گزینه ۴. وفق ماده ۷ ق.م.م. سرپرست در صورتی ملزم به جبران خسارت می‌باشد که تقصیر وی توسط زیان‌دیده اثبات شود.

توجه: طبق ماده ۷ ق.م.م، در مورد جبران خسارات وارده ناشی از فعل صغیر یا مجنون، در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نباشد.

۷۹- گزینه ۲. با توجه به ماده ۷ ق.م.م. سرپرستی که مرتکب تقصیر نشده است در هیچ حالتی ملزم به جبران خسارت نمی‌باشد. در نتیجه اگر محجور استطاعت نداشته باشد، زیان‌دیده نمی‌تواند از سرپرستی که مقصر نیست خسارت را مطالبه کند.

۸۰- گزینه ۲. گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ به هیچ وجه صحیح نمی‌باشند. گزینه ۲ نیز که صحیح‌ترین پاسخ سوال می‌باشد، ظاهراً با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۶۰/۱ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۹ طرح شده است و می‌بایست به خسارات ناشی از جرم اختصاص داده می‌شد نه هر خسارتی به طور مطلق. چراکه رأی وحدت رویه تنها خسارات ناشی از جرم را از دایره شمول ماده ۷ ق.م.م. خارج می‌کند. رأی وحدت رویه مزبور، بیان می‌دارد: مطابق مواد ۱۲۱۶ و ۱۱۸۳ قانون مدنی در صورتی که صغیر باعث ضرر غیر

شود خود ضامن و مسئول جبران خسارت است و ولی او به علت عدم اهلیت صغیر نماینده قانونی وی می‌باشد. بنابراین جبران ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزا به عهده شخص متهم صغیر است و محکوم‌به مالی، از اموال خود او استیفاء خواهد شد.

نکته ۱: فارغ از بحث پیرامون اطلاق مناقشه برانگیز رأی وحدت رویه، باید رأی مذکور را با رعایت حکم ماده ۷ ق.م.م. تفسیر نمود. رأی وحدت رویه نسبت به حکم ماده ۷ ق.م.م. از دو جهت خاص تلقی می‌شود؛ جهت اول که در متن سوال نیز رعایت شده است این است که اختصاص به صغیر دارد. جهت دوم که در سوال مورد توجه قرار نگرفته است این است که رأی وحدت رویه در مورد خسارات ناشی از جرم است نه هر خسارتی. لذا به غیر از خسارات ناشی از جرمی که صغیر مرتکب آن شده است، در سایر موارد باید به ماده ۷ ق.م.م. نیز توجه کرد.

نکته ۲: طبق ماده ۷ ق.م.م. در صورت تقصیر سرپرست در حفظ و نگهداری مجنون یا صغیر، سرپرست در مقابل زیان‌دیده مسئول جبران خسارات است مگر اینکه سرپرست استطاعت نداشته باشد که از اموال صغیر یا مجنون جبران خسارت می‌شود. در فرض عدم تقصیر سرپرست، طبق ماده ۱۲۱۶ ق.م. و مفهوم مخالف ماده ۷ ق.م.م.، خود صغیر یا مجنون در برابر زیان‌دیده مسئول است. در نتیجه اگر صغیر یا مجنون استطاعت نداشته باشد، زیان‌دیده نمی‌تواند از سرپرستی که مقصر نیست خسارت را مطالبه کند.

نکته ۳: ماده ۷ ق.م.م.، حکمی استثنایی است که اختصاص به مجنون و صغیر دارد نه سفیه.

نکته ۴: شخصی که به موجب قانون مسئول نگهداری و مواظبت است مثل ولی قهری یا پدر و یا مادر و مانند اینها و شخصی که به موجب قرارداد مسئول نگهداری است مثل مربی و مسئول مهدکودک یا مدیر تیمارستان و مانند اینها.

نکته ۵: هرگاه چند شخص به طور همزمان مسئول نگهداری و مواظبت صغیر یا مجنون باشند مثل پدر و مادر در زندگی مشترک، در صورت تقصیر در نگهداری، مسئولیت تضامنی آنها در برابر زیان‌دیده مرجح دانسته شده است (دکتر کاتوزیان، مسئولیت مدنی، ج ۲، ص ۴۴).

نکته ۶: برخی واژه صغیر در ماده ۷ ق.م.م. را جهت هماهنگی با قوانین مدنی منصرف به صغیر غیرممیز دانسته‌اند (دکتر امامی، حقوق مدنی، ج ۵، صص ۲۵۳ و ۲۵۴). در حالی که اطلاق واژه صغیر شامل هر دو دسته ممیز و غیرممیز می‌شود (دکتر صفایی و قاسم‌زاده، اشخاص و محجورین، ص ۲۶۱).

نکته ۷: اهلیت در اسباب فعلیه (افعال، اعمال زیانبار) شرط نیست و تنها ناظر به اسباب قولیه (اقوال) یعنی عقود و ایقاعات است. لذا تقصیر در مسئولیت مدنی مفهوم نوعی دارد که عبارت است از غیرمتعارف و به قوه تمییز و درک و اراده شخص توجیهی نمی‌شود. در نتیجه محجورین نیز می‌توانند مقصر باشند اگر مانند یک انسان متعارف رفتار نکنند.

۸۱- گزینه ۲. ر.ک. ماده ۷ ق.م.م.

۸۲- گزینه ۲. ر.ک. ماده ۷ ق.م.م.

۸۳- گزینه ۱. ر.ک. ماده ۷ ق.م.م.

۸۴- گزینه ۴. طبق ماده ۸ ق.م.م، کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبار و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسایل مخالف با حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر، زیان وارده را از واردکننده مطالبه نماید.

۸۵- گزینه ۴. اهانت به یک حرفه، نوعی ضرر جمعی تلقی می‌شود. ضرر جمعی، ضرری است که زیان‌دیده‌ی آن، محدود به اشخاص معینی نیست و چنان منتشر است که هیچیک از اشخاص منفرداً نمی‌تواند خود را زیان‌دیده اصلی بداند و از این بابت اقامه دعوا کند لیکن اگر جمع و گروه دارای شخصیت حقوقی باشد (مثل کانون وکلا)، می‌تواند در این خصوص اقدام نماید.

توجه: اشخاص حقوق عمومی مثل شهرداری‌ها نمی‌توانند زیان‌های جمعی وارد بر مردم شهر را مطالبه نمایند. چراکه این امور عمومی بر عهده دادستان و مقام‌های عمومی است.

۸۶- گزینه ۳. طبق ماده ۹ ق.م.م، دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن، حاضر برای همخوابگی نامشروع شده می‌تواند از مرتکب علاوه بر زیان مادی، مطالبه زیان معنوی هم بنماید.

۸۷- گزینه ۴. به موجب ماده ۱۱ ق.م.م، کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد در این صورت، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.

۸۸- گزینه ۳. ر.ک. ماده ۱۱ ق.م.م.

۸۹- گزینه ۲. به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد».

توجه: طبق قاعده مذکور در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مقام قضائی در صورت تقصیر، خود مسئول جبران خسارات زیان‌دیده است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود. با این وجود، استثنائاً در برخی موارد، در صورت تقصیر مقام قضایی، دولت خسارت زیان‌دیده را جبران می‌کند و سپس به مقام قضایی مقصر رجوع می‌کند. برای مثال، طبق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند کلیه خسارات ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند. جبران این خسارت بر عهده دولت است که طبق ماده ۲۶۰ قانون مزبور، به‌منظور پرداخت خسارت موضوع ماده ۲۵۵ این قانون، صندوقی در وزارت دادگستری تأسیس می‌شود. البته در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند (ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲).

۹۰- گزینه ۲. بر اساس ماده ۱۲ ق.م.م. تقصیر کارفرما مفروض قلمداد شده است مگر اینکه کارفرما اثبات نماید که تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده و یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آورد باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود.

۹۱- گزینه ۲. ن.ک. توضیحات ذیل پاسخ سوال قبل.

۹۲- گزینه ۱. با توجه به مفاد ماده ۱۲ ق.م.م.، زیان‌دیده به طور مستقیم حق دارد به کارفرما رجوع کند لذا مسئولیت کارفرما در برابر زیان‌دیده منوط به تقصیر کارگر نیست. علاوه بر این، با توجه به فرض تقصیر در ماده ۱۲ ق.م.م.، زیان‌دیده نیازی به اثبات تقصیر کارفرما نیز ندارد.

توجه: اگر کارفرما، بی تقصیری خودش را اثبات نماید (اثبات خلاف اماره تقصیر در ماده ۱۲)، در این صورت، اگر چند کارگر مقصر و مسئول باشند، کارگران در برابر زیان‌دیده مسئولیت تضامنی دارند (بخش اول ماده ۱۴ ق.م.م.) و در تقسیم نهایی مسئولیت میان خود کارگران، مسئولیت توسط دادگاه بر اساس نحوه مداخله هریک تعیین می‌شود (بخش دوم ماده ۱۴ ق.م.م.). یعنی اگر زیان‌دیده کل خسارت را از یکی از کارگران دریافت دارد، کارگر مزبور می‌تواند برای بازیافت خسارت پرداختی به هریک از کارگران مسئول بر اساس نحوه مداخله هریک رجوع کند.

۹۳- گزینه ۱. ر.ک. مواد ۱۲ و ۱۴ ق.م.م.

۹۴- گزینه ۴.

نکته ۱: مسئول بودن کارگر و کارفرما با هم ملازمه ندارد زیرا ممکن است کارگر قانوناً مسئول و مقصر نباشد و با وجود این، کارفرما به جبران خسارت محکوم شود مثلاً عیوب ابزار کار یا موادی که از طرف کارفرما در اختیار کارگر بوده زیان را به بار آورد.